

### تیتراها

- ۱۸ در اندوه از دست دادن عمر شاکری
- ۱۸ جعفر عظیم زاده باید آزاد شود
- ۱۵ آزادی فعال جنبش کارگری، محمد جراحی
- ۱۹ رژیم اسلامی، ماده مخدر و جوانان ایران
- ۱۶ بردگی کودکان سوریه در ترکیه
- ۱۴ مدیای جهانی، حقوق بشر و حقایق پنهان!
- ۱۳ کنفرانس سالانه اتحاد سوسیالیستی کارگری

### The 1988 massacre that continues to haunt Tehran



### سر مقاله

## کشتار ۶۷ و پنهان ماندن ماهیت طبقاتی جنایات رژیم اسلامی

رضا مقدم

خمینی با چند سطر، فرمان کشتار هزاران زندانی سیاسی را در تابستان ۶۷ صادر کرد. این زندانیان سیاسی از کشتارهای وسیع پس از سی خرداد ۶۰ جان بدر برده بودند، بسیاری با سپری شدن دوران محکومیت شان آزاد نشده بودند و بعضاً حتی در بیدادگاههای رژیم اسلامی هنوز محاکمه نشده بودند. هیات مرگ، این آدمکشان بله قربان گو، اوامر خمینی را بدون چون و چرا اجرا کردند و دهها هزار نفر را در کمتر از دو ماه کشتند زیرا از نظر این جانپان از خمینی

بقیه در صفحه ۲

## ظهور و افول داعش و آخرین تحولات!

محمد حسین مهرزاد

حدود پنج سال از شروع جنگ داخلی در سوریه می گذرد. جنگی که با شروع اعتراضات مردم و در پیرویه سلسله ی شورش ها و اعتراضات کشورهای عربی که نسبت به دیکتاتوری و وضعیت معیشتی خود داشتند، شکل گرفت. در کنار سرکوب اعتراضات توسط رژیم اسد، و در فقدان آلترناتیو کارگری و انقلابی و از سوی دیگر با دخالت شدید و همه جانبه ی قدرت های جهانی و منطقه ای، اعتراضات و مبارزات مردم سرنوشتی دیگر یافت.

بقیه در صفحه ۵

## آینده ناروشن جمهوریات در ترکیه

سهند ریاحی

۱۵ جولای ۲۰۱۶، ترکیه شاهد یک کودتای نافرجام بود. کودتایی که به هیچ وجه شباهتی به کودتاهای نظامی سالهای ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ نداشت. واقعیت اینست که تاریخ ترکیه با کودتاها بیگانه نیست اما این اولین بار است که یک کودتا در ترکیه شکست می خورد و می رود تا فصل جدیدی در ساختار سیاسی - اجتماعی دولت ترکیه بگشاید.

بعد از جنگ جهانی اول که با شکست دولت عثمانی همراه بود کشور ترکیه شکل

بقیه در صفحه ۳

تراشیده است. اما دلیل اصلی و بنیادی همه کشتارها، شکنجه ها و خشونتی که رژیم اسلامی علیه مردم ایران اعمال می کند به تصمیم کنفرانس هفت کشور بزرگ صنعتی در سال ۵۷ در گوادولوپ بر می گردد. در شرایطی که ساواک، ارتش و پلیس شاه از سرکوب انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران برای رفاه و آزادی که با یکی از بزرگترین اعتصابات کارگری قرن بیستم توأم بود، عاجز شد قدرتهای بزرگ در گوادولوپ تصمیم گرفتند قدرت را به شاخه مذهبی اپوزیسیون واگذار کنند. هدف این بود که رژیم شاه عوض شود اما شرایط ایران از نظر آزادیهای سیاسی تغییر نکند و همچنان یک رژیم دیکتاتوری بر ایران حاکم باشد. یعنی مردم ایران آزادی سیاسی، کارگران تشکل و زنان حقوقی نداشته باشند تا منافع صاحبان صنایع و سرمایه تامین شود.

بدون این کشتارها، بدون انحلال همه شوراهای کارگری و بدون اخراج، دستگیری و شکنجه و اعدام فعالین کارگری، رژیم اسلامی قادر نبود یک قانون کار فاقد حق تشکل و اعتصاب به کارگران ایران تحمیل کند. خاتمی و مجلس ششم اصلاح طلب قادر نبودند کلیه کارگران صنعت قالی باقی و کل کارگران کارگاههای زیر ده کارگر را از شمول قانون کار خارج کند، قراردادهای موقت و سفید امضار را رواج دهند و به مرور کل رژیم اسلامی یک

مرگ مردم ایران تصمیم گرفتند. بازتاب وسیع انتشار مباحث جلسه منتظری با هیات مرگ خمینی نزد نسل جوان ایران که تجربه مستقیم خشونت رژیم اسلامی در سرکوب شدید اعتراضات سال ۸۸ را دارد، راه تحلیل و برداشت اصولی و صحیح از علل همه کشتارهای رژیم اسلامی از سال ۵۷ تاکنون را باز می کند. تاکید بر کشتار سال ۶۷ نباید پایان یابد و در عین حال این کشتار نباید به همان سرنوشت قتلهای سیاسی و زنجیره ای دوره خاتمی دچار شود. خاتمی به کمک مجموعه نظام اسلامی ترور صدها مخالف رژیم اسلامی به دست آدمکشان وزارت اطلاعات را به داریوش فروهر، پروانه اسکندری، محمد مختاری و محمد جعفر پوپنده تقلیل داد. کشتار تابستان ۶۷ تنها بخشی از مجموعه بزرگتری از کشتن مردم ایران توسط کل رژیم اسلامی با تمام جناحها و باندهای درونی آن است.

منتظری صریحا احمد خمینی را افشا می کند که از سالها قبل بدنبال کشتن مجاهدین بوده و عملیات فروغ جاویدان را بهانه کرده است. رژیم اسلامی از بدو به قدرت رسیدنش حقوق زنان را پایمال کرده، روزنامه ها را بسته، فعالیت احزاب سیاسی را ممنوع کرده، شوراهای کارگری را از بین برده و مخالفین خود را با شدت تمام دستگیر، شکنجه و اعدام کرده و طبعا برای هر مورد هم یک بهانه

که نباید سند و مدرک خواست. منتظری در جلسه با هیات مرگ بر فقدان سند و مدرک جدید برای تجدید محاکمه زندانیان سیاسی و تغییر حکم آنها پافشاری دارد و آنرا باعث بی اعتباری دستگاه قضایی رژیم اسلامی می داند. از این طریق منتظری محاکمات چند دقیقه ای و اعدام های دسته جمعی خلخالی، حاکم شرع منصوب خمینی در ترکمن صحرا و کردستان را از پرونده جنایات رژیم اسلامی حذف می کند. کشتار بدون محاکمه زندانیان سیاسی پس از سی خرداد شصت که رژیم اسلامی بعضا حتی نامشان را نمی دانستند، از سابقه دستگاه آدمکش قضایی کنار میزند. مباحث حقوقی و مذهبی منتظری با هیات مرگ منصوب خمینی اگر چه یک سند مهم از کشتار زندانیان سیاسی تابستان ۶۷ است اما در عین حال محاکمات مخالفان سیاسی رژیم اسلامی تا قبل از کشتار تابستان ۶۷ را عملا از پرونده جنایات رژیم اسلامی کنار می گذارد. منتظری در این جلسه بر صلاحیت قضایی اعضای هیات مرگ صحنه می گذارد که حداقل دو نفر از آنها، یعنی نیری و پور محمدی از همان بدو به قدرت رسیدن رژیم اسلامی بعنوان حاکم شرع هزاران نفر را به مرگ محکوم کرده بودند. پور محمدی در زمان انقلاب ۱۹ سال و نیری ۲۲ سال داشتند اما چون آخوند بودند با همین سن و سال حاکم شرع شدند و درباره زندگی و

بقیه «کشتار ۶۷...» از ص ۲

حداقل دستمزد یک سوم خط فقر را به دهها میلیون کارگر ایران تحمیل کنند. سران هفت کشور بزرگ صنعتی در کنفرانس گوادولوپ ظرفیت وحشتناک اپوزیسیون مذهبی در کشتار مردم ایران و برقراری اختناق و دیکتاتوری پس از

بقیه «جمهوریت در ترکیه...» از ص ۱

گرفت. بعد از شکست امپراتوری عثمانی کمال آتا تورک با وعده اصلاحات ارضی و ایجاد کشور مدرن توانست مردم را حول ناسیونالیسم ترک بسیج کند. در حقیقت بوروکراتهای عثمانی و ارتشیان عالیرتبه راسا دستگاه دولتی را به دست گرفتند و در سازش با فئودالها و زمینداران ساختار سیاسی - اقتصادی را به سوی سرمایه داری، بعنوان شیوه تولیدی حاکم سوق دادند. ایدئولوژی سیاسی این نظامیان پان ترکیسم و تکیه به ناسیونالیسم ترک بود.

حذف و کشتارهای متعددی در این دوره صورت گرفت. کردها و علوی ها و کلا هر اقلیت و قومیت غیر از ترک بشدت سرکوب شد. بافت طبقه سرمایه دار در این دوره بیشتر شامل تجار سنتی که از خارج جنس وارد می کردند و هم چنین بوروکراتها و ارتشیان بود که بعد از رسیدن به قدرت صاحب مال و منالی شده بودند. حکومت آتا تورک از سال ۱۹۲۳ تا سال ۱۹۴۶ نامش جمهوری بود ولی

سقوط شاه را تشخیص دادند و کمک کردند تا خمینی قدرت بگیرد. ارتش را که بزرگترین پشتوانه قدرت شاه بود توسط ژنرال هایزر، فرمانده وقت پیمان ناتو در اروپا، وادار کردند که دست از حمایت شاه بکشد و تسلیم خمینی شود. در

جمهوری تک حزبی و حتی لیست نمایندگان مجلس توسط آتاتورک تهیه می شد. بین سالهای ۱۹۵۰ - ۱۹۶۰ میلادی احزاب سیاسی آزاد شدند و اولین سندیکای کارگری، ترک ایش، در سال ۱۹۵۲ تاسیس شد. در حقیقت اولین تمرین دموکراسی مردم ترکیه بعد از مرگ آتاتورک در این دوره تاریخی صورت گرفت.

ولی این تنفس سیاسی زیاد طول نکشید و اولین کودتای نظامی ترکیه در سال ۱۹۶۰ با دستگیری و اعدام نخست وزیر وقت، عدنان مندرس، رخ داد. قانون اساسی جدید تصویب شد و حقوق نیم بند شهروندی که با آهستگی گسترش می یافت، لغو شد. بین سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۰ نیز چندین کودتا صورت گرفت. کودتاهای سالهای ۱۹۶۳ - ۱۹۶۹ و سال ۱۹۷۱ همگی موفق نبودند ولی موجب تغییرات سیاسی و به زیر کشیدن شد حکومتهای وقت شدند و بالاخره کودتای سال ۱۹۸۰ کنعان اورن، در حقیقت برگ جدیدی در ساختار جمهوریت

گوادولوپ تصمیم گرفتند این هیولای آدمکش را به جان انقلاب و مردم ایران بیاندازند. هیولایی که در برقراری اختناق، دیکتاتوری و کشتار مردم ایران بهانه کم نداشته است.

۲۷ اوت ۲۰۱۶

سکولار ترکیه باز کرد. دستگیری و قلع و قمع کلیه احزاب و بخصوص احزاب چپ، حمله و تعرض به تمام حقوق مردم آغاز شد. ارتش بعنوان پاسدار دموکراسی و مافوق دولت بر کشور حاکم شد. با قانون اساسی جدید ارتش اختیار تغییر سیستم سیاسی و تسلط بر قوای سه گانه را یافت. حمایت امپریالیسم آمریکا در موفقیت این کودتا فوق العاده موثر بود. انقلاب ۵۷ ایران و سرنگونی یکی از پر قدرتترین متحدین آمریکا در خاورمیانه، حکومت کارتر را بر آن داشت که در ترکیه فعالیت دخالت کند. خطر سرخ در افق دیده می شد و تلاطمات سیاسی در ترکیه برای امپریالیسم آمریکا نگران کننده بود. ترکیه عضو ناتو بود و در جنگ سرد یک متحد تمام عیار غرب علیه اروگاه شرق بود.

دولتهای ترکیه بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۷، بخصوص بعد از به قدرت رسیدن تورگوت اوزال تا دولت ائتلافی تانسو چیلر - نجم الدین اربکان در سال ۹۷، هر چند ظاهرا مشروعیت خود را از

بقیه «جمهوریت در ترکیه ...» از ص ۳

جامعه اروپا همه باعث گردید حزب عدالت و توسعه را به سکوی قدرت پرتاب کند.

البته بحران اقتصادی - سیاسی ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲ و انتخابات زود رس شکل جدید جمهوریت ترکیه را رقم زد. نبود آترناتیو انقلابی و سوسیالیستی، عدم قدرت طبقه کارگر و حزبش نیز مزید بر علت بود.

بین ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲ تورم با اجرای برنامه های ریاضت اقتصادی صندوق جهانی پول کاهش یافت. سرمایه های غرب، عربستان و امارات به ترکیه سرازیر شدند. حزب عدالت و توسعه (آ ک پ) برای استقرار، گسترش و تحکیم قدرت تصفیه نیروهای کمالیست از ارتش را آغاز کرد. آنها به کمک متلف پنهانی خود فتح اله گولن نیروها و کادرهای اسلامی را در ارتش تقویت و جایگزین کمالیستها کردند. و تغییر قانون اساسی در جهت پذیرفته شدن عضویت ترکیه در اروپا از جمله بازی های دموکراتیک حزب عدالت و توسعه بود.

تغییر قوانین زورمدار کمالیسم توأم شد با سرازیر شدن سرمایه ها به ترکیه، گشایش مراکز بزرگ خرید، گسترش توریسم، ایجاد شغل در حوزه های خدماتی، گسترش صدور کارتهای اعتباری، که همه نشان از موفقیت مدل اسلام مخملی با اقتصاد نئولیبرالی سرمایه داری داشت.

با ناامید شدن ترکیه از قبول عضویت در

و اهمیت سابق خود را از دست داد. در سال ۹۷ تانسو چیلر برای پرداخت حقوق کارمندان دولت در به در بدنبال ۳۰۰ میلیون دلار قرض از بانک جهانی بود و موفق نمیشد.

در حقیقت عروج اسلام در تاریخ ترکیه کم کم از این تاریخ خود را نشان داده و برای اولین بار حزب رفاه که نماینده بخش محافظه کار و اسلامی سرمایه داری بود توانست در حکومت ائتلافی تانسو چیلر شریک قدرت شود. ارتش بلافاصله وارد عمل شد و با فشار دولت اربکان را مجبور به استعفا کرد. ولی این استعفا از قدرت نیروهای اسلامی نکاست چرا که بخش کمالیست نتوانست بحران های سیاسی - اقتصادی را حل کند. حمله القاعده در ۱۱ سپتامبر به برجهای دو قلو در نیویورک، و متعاقب آن حضور نظامی آمریکا در افغانستان و سپس در عراق بار دیگر وزن سیاسی و جغرافیایی ترکیه را برای امپریالیسم آمریکا بالا برد.

این بار در شکل گیری حکومت سیاسی ترکیه بحث بر سر استقرار یک اسلام ملایم، مخملی و مدرن در مقابل نمونه های رادیکال طالبان و حتی جمهوری اسلامی بود. موفقیت احزاب وابسته به رفاه در شهرداری های بزرگ ترکیه، داشتن برنامه برای حل بحران اقتصادی، وعده برای تغییر قانون اساسی و ایجاد مقرراتی مطابق با معیارهای اروپا، وعده حل مسئله کرد و ایجاد زمینه برای ورود به

رای مردم داشتند ولی در عمل زیر قیومیت ارتش بودند. چنانچه هر تخطی این دولتها از به اصطلاح ایدئولوژی کمالیسم منجر به مداخله مستقیم شورای نظامی میشد که ما فوق دولت بود. کودتای ۱۹۹۷ که منجر به استعفای اربکان، معلم اول اردوغان، گردید، در همین راستا بود.

در این سالها روند سرمایه داری شدن ترکیه سرعت گرفت. ایجاد کارخانه های مونتاژ اتومبیل و لوازم خانگی، رشد واردات، رشد شهر نشینی بدلیل کوچ دهقانان به شهرها، نابودی کشاورزی، دامداری و بافت ماقبل سرمایه داری، رشد توریسم، پیدایش زاغه نشینی در حاشیه شهرهای بزرگ، رشد ناموزون و عقب ماندگی در شهرهای بخصوص کردنشین، مدرن شدن شهرهای بزرگ چون آنکارا و استانبول، اختلاسهای مالی دولتهای آن دوره، تورم سه رقمی از ویژگیهای بارز این دوره بود.

بحران اقتصادی - سیاسی ترکیه از سال ۱۹۹۳ به اوج خود رسید. ارزش پول ترکیه، لیر، بشدت پایین آمد، تورم به اوج خود رسید و سیستم بانکی در آستانه ورشکستگی قرار گرفت. احزاب راست و کمالیست وابسته به بخش به اصطلاح مدرن بورژوازی عاجز از حل معضلات بحران اقتصادی بودند. از نظر بین المللی هم با سقوط اردوگاه شرق، ترکیه جایگاه

بقیه "جمهوریت در ترکیه ... " از ص ۴

اروپا، ترکیه راه گسترش نفوذ و قدرتش در منطقه خاور میانه را برگزید. برای اسرائیل شاخ و شانه کشید و مدافع حقوق و کمک به مردم فلسطین شد و تلاش برای ایفای نقش ارباب منطقه را آغاز کرد. با آغاز اعتراضاتی که "بهار عربی" نام گرفت، در تقابل با مدل حاکمیت اسلامی سرمایه در ایران مدل اسلام مخملی ترکیه هر بیشتر مطرح شد. در مصر مبارک سقوط کرد و اخوان المسلمین به قدرت رسید. اوج قدرت نمایی اردوغان در منطقه، استقبال شاهانه ای بود که از وی در قاهره انجام شد؛ یک سلطان کوچک عثمانی. سهم خواهی و جاه طلبی های اردوغان در قبال جنگ سوریه کم کم چهره وی را هم در صحنه سیاست بین المللی و هم در داخل منفور کرد. حمایت وی از نیروهای ارتجاعی منطقه دیگر برای تمام دنیا مشهود شده بود و حتی متحدان ناتو نیز بدان اعتراف کردند. در داخل هم وضعیت مطابق میل آنها پیش

بقیه "ظهور و افول داعش ... " از ص ۱

جنگی آغاز شد که باعث کشته شدن بیش از ۲۵۰ هزار نفر و آوارگی و بی خانمانی میلیون ها نفر از مردم سوریه گردیده و میلیون ها نفر نیز که در سوریه زندگی می کنند در شرایط بسیار وخیم اقتصادی، اجتماعی و امنیتی قرار دارند، و در نهایت ظهور داعش. ظهور داعش تنها در متن اوضاع سیاسی اجتماعی

نرفت. رشد اقتصادی که تا سال ۲۰۱۲ نزدیک به ۶ درصد بود شدیداً افت کرد و اولین پیامد سیاسی آن پارک گزی در استانبول بود. بعلاوه بین اردوغان و فتح اله گولن که دو مولف، و دو دوست و یار قدیمی بودند اختلاف بر سر تقسیم قدرت آغاز شد. اردوغان برای تمرکز قدرت و کنترل بر آن نیاز به تغییر قانون اساسی داشت و این اکثریت پارلمانی می طلبید. اردوغان نخست از حربه آستی با کردها استفاده کرد. مادام که حزب مورد علاقه مردم کردستان در انتخابات شرکت نداشت اکثریت آنها به حزب عدالت و توسعه رای می دادند. اما با ورود حزب دموکراتیک خلق ها به انتخابات، حزب عدالت و توسعه اکثریت خود را در مناطق کردستان از دست داد و سیاست "آستی با کردها" خاصیت رای جمع کنی خود را از دست داد و در آخرین انتخابات شکست خورد. اردوغان نتوانست اکثریت آرا را بدست بیاورد و دولت مورد نظرش

سوریه رقم نخورد بلکه در عراق نیز که پس از دو حمله توسط آمریکا و متحدینش و در نهایت اشغال آن کشور، شرایط نابسامان اقتصادی و سیاسی شدیدی بوجود آمده بود، در نهایت مرکز ثقل اختلافات منطقه ای گردید و دهها گروه ارتجاعی و مسلح ایجاد شدند که در فقدان آلترناتیو انقلابی زمینه رشد داشتند. در چنین شرایطی و در طول دوران حکومت

را تشکیل دهد. وی با ایجاد فضای رعب، وحشت و ترور، حمله به شهرهای کردنشین و مجدد انتخابات زود رس برگزار کرد و این بار توانست اکثریت پارلمان را بدست بیاورد.

ولی هنوز مشکل تمام نشده بود. دوست و یار و مولف دیروزی، دشمن امروزی اش شده بود و این کودتای ناشیانه هم پایان یافت. دیگر تقیه لازم نبود و وی شمشیر را از رو بست. حکومت نظامی، اخراج قضات، استادان دانشگاهها، معلمان، کارکنان دولتی و بطور ویژه تمرکز و کنترل کامل بر ارتش، زمزمه بازگرداندن حکم اعدام، استفاده از نیروهای مزدور و فاشیست که در کوچه ها فریاد اله اکبر و پاسداری از دموکراسی سر می دهند!!

با رنگ باختن جمهوریت سکولار و اسلام مخملی فردای ترکیه پیچیده تر و ناروش تر دیده می شود.

۵ اوت ۲۰۱۶

نوری المالکی فساد به شدت رشد کرد و زمینه ی اختلافات قومی افزایش یافت. مجموع این اوضاع شرایط را برای دخالت قدرت های منطقه ای افزایش داد. داعش در متن اوضاع سیاسی و اجتماعی در عراق و سوریه ظهور کرد که نه تنها مولفه های فوق عمل می کرد بلکه تغییر حکومت های سوریه و عراق یکی از

بقیه "ظهور و افول داعش ..." از ص ۵

اهداف آمریکا و دیگر قدرت های منطقه ای بود. این دو کشور به متحدین جمهوری اسلامی تبدیل شده بودند و باعث تحکیم قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی بودند. جمهوری اسلامی منافع قابل توجهی در سوریه و عراق داشت و بلوک قدرتی را به همراه حزب الله لبنان و حماس تشکیل می داد.

اما اگر ریشه های ظهور داعش را در متن شکل گیری اسلام سیاسی بررسی کنیم به نقش تعیین کننده جمهوری اسلامی می رسیم. با شکل گیری جمهوری اسلامی و بخصوص پس از پایان جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی سرمایه گذاری عظیمی برای شکل دادن به جریان اسلام سیاسی در خاور میانه کرد. افغانستان، لبنان، عراق، فلسطین جولان گاه اسلام سیاسی شد که مادر آنها جمهوری اسلامی بود. در ادامه هنگامی که اسلام سیاسی به ابزاری قوی برای پیشبرد اهداف سیاسی جمهوری اسلامی تبدیل گردید دیگر جریانات کاپیتالیستی منطقه و حتی قدرت های جهانی نیز از این ابزار در جهت منافع خود استفاده کردند. آمریکا در جهت زدن شوروی در افغانستان و سپس عربستان با شکل دادن به نوع دیگری از اسلام سیاسی وهابی وارد میدان کشمکش های منطقه ای شد. با اوج گیری بحران در خاورمیانه و رشد رقابت منطقه ای اسلام سیاسی نیز هر چه

بیشتر رشد کرد و ابزار دولت های درگیر در منطقه شد. جمهوری اسلامی تخم اسلام سیاسی را در منطقه کاشت و اکنون که شاخه های مختلف آن و از جمله بزرگترین و مخوفترین آن به شکل فاشیستی داعش ظهور کرده نمی توان نقش جمهوری اسلامی را در متن شکل دادن به اسلام سیاسی نادیده گرفت.

اما از یک زاویه ی دیگر نیز مقایسه داعش و جمهوری اسلامی ممکن است. همه ی آن جنایات و فجایعی که داعش با وحشیگری تمام طی دو سال گذشته انجام داده جمهوری اسلامی طی سی سال با توجه به ویژگی های کشور ایران انجام داده است. مطابق آمارها داعش تا کنون حدود ۴۰۰۰ نفر را اعدام کرده است. جمهوری اسلامی بیش از سی هزار زندانی سیاسی را اعدام کرده و هم اکنون نیز بالاترین آمار اعدام ها را در جهان دارد. تنها در سال ۶۰ روزانه و با آمار رسمی درج شده در روزنامه های حکومتی کیهان و اطلاعات، روزانه بین پنجاه تا دویست نفر اعدام می شدند و در سال شصت و هفت هزاران زندانی سیاسی که مدت ها از محکومیتشان را سپری کرده بودند در بی دادگاه های تفتیش عقاید به مرگ محکوم و بلافاصله اعدام شدند. داعش فرقه ها و مذاهب دیگر را به رسمیت نمی شناسد و آنها را یا می کشند و یا وادار به پرداخت جزیه می کنند - مورد مسیحیان- در حکومت جمهوری

اسلامی سوسیالیست ها، مجاهدین خلق، آزادیخواهان، بهائیان، لیبرال ها و ... دسته دسته اعدام شدند و یا سال های زیادی از زندگیشان را در زندان سپری کردند. قتل های زنجیره ای و سیاسی نویسندگان و دگر اندیشان انجام شد. اگر داعش صحنه های تکان دهنده ی سنگسار را به نمایش می گذارد، این کار را جمهوری اسلامی پس از ۱۴۰۰ سال مجدداً باب کرد و دهها نفر و بخصوص زنان را در ملاء عام سنگسار کرد. اگر داعش اسیرانش را سر می برد، جمهوری اسلامی صدها نفر را زیر شکنجه های قرون وسطایی کشت و هزاران زندانی سیاسی را تا حد مرگ شکنجه داد. جنازه ها را در خیابان پشت ماشین بست و روی زمین کشید. اگر داعش زنان ایزدی را به بردگی گرفته، پاسداران جمهوری اسلامی نیز به دختران اعدامی قبل از اعدام تجاوز می کردند. اگر داعش خلیفه اسلامی دارد که برای همه چیز و همه کس فتوا صادر می کند جمهوری اسلامی ولایت فقیه دارد که نماینده خدا روی زمین است هر کاری بخواهد انجام می دهد. داعش در ملا عام سر می برد جمهوری اسلامی سی سال است در ملا عام دار می زند. داعش در دیگر کشورها عملیات انتحاری انجام می دهد و مردم را می کشد. جمهوری اسلامی تا کنون دهها مخالف حکومت را در خارج و داخل کشور ترور کرده است و بمب گذاری در بسیاری مناطق از



بقیه «ظهور و افول داعش...» از ص ۶

جمله، آرژانتین و مقبره امام هشتم شیعیان در مشهد، مسجد اهل تسنن در زاهدان و ... دست داشته است.

### رشد تشکیلاتی داعش

اما از زاویه ی رشد سازمانی داعش به نکاتی دیگر نیز باید توجه داشت که از جمله در شکل گیری داعش در این حد و اندازه و در این مقطع زمانی و منطقه ی جغرافیایی تاثیر داشته اند. ابوبکر بغدادی سومین یا چهارمین رهبر القاعده در عراق بود که پس از کشته شدن دیگر رهبران القاعده در جریان حملات هوایی آمریکا، نقش درجه اول در القاعده عراق پیدا کرد. پس از کشته شدن بن لادن در پاکستان و ضربه سنگینی که القاعده با از دست دادن رهبرش خورد، ایمن الظواهری جانشین وی شد اما ابوبکر بغدادی به مخالفت با خط القاعده و ایمن الظواهری پرداخت. القاعده که خود را یک حرکت و جنبش اسلامی می دانست که به منافع غرب و کفار لطمه میزند، با بحث ابوبکر بغدادی به چالش کشیده شد. ابوبکر بغدادی اعتقاد داشت که ما می بایست تبدیل به یک حکومت اسلامی شویم و نه یک گروه مخفی و جنگجو که به جنگ و گریز می پردازد. با این موضعگیری انشعاب در القاعده ایجاد شد و بخش اعظم القاعده عراق به ابوبکر بغدادی پیوستند. آنها نام خود را حکومت اسلامی عراق نامیدند و با فاصله ی

کوتاهی القاعده سوریه نیز که درگیر جنگ با ارتش اسد بود دچار انشعاب شد و آنها نیز به ابوبکر بغدادی پیوستند و نام خود را حکومت اسلامی عراق و شام گذاشتند. با قدرت گیری داعش و تسخیر مناطق زیادی در عراق و سوریه، بخش های بیشتری از القاعده و اسلام سیاسی در خاورمیانه و آفریقا با این جریان اعلام همبستگی کرده اند. بوکوحرام در نیجریه، بخشی از طالبان منشعب شده، در یمن و ...

پیشروی سریع داعش طی دو سال گذشته منجر به اشغال حدود یک سوم خاک عراق و بیش از این مقدار در سوریه شد. داعش نه به مثابه یک گروه و جریان ارتجاعی بلکه به مثابه یک حکومت تمام عیار با ویژگی های مذهبی و فاشیستی قد علم کرد و این ماه عسل رشد جریانات ارتجاعی اسلام سیاسی در منطقه بود. در واقع پتانسیل بسیاری از جریانات ارتجاعی اسلام سیاسی منطقه و بخصوص در عراق و سوریه جذب داعش شد. اما مولفه های پیشروی و قدرتمند شدن داعش در متن تحولات منطقه ای رقم خورد که از چند زاویه به سرعت باعث تقویتش شد. عربستان و دیگر کشورهای حوزه ی جنوبی خلیج فارس در تلاش برای قدرت گیری در منطقه داعش را ابزاری برای تضعیف حکومت های مورد حمایت جمهوری اسلامی می دیدند. ترکیه نیز در تلاش

برای تبدیل شدن به قدرت منطقه ای همان انگیزه ی کشورهای حوزه خلیج فارس را داشت. اما آمریکا برای جبران ضعف قدرت منطقه ای خود از یکسو ناچار بود دولت اسد را نابود کند و از سوی دیگر حکومت عراق را بیش از پیش تحت فشار قرار دهد تا هر چه بیشتر به آمریکا باج دهد و یا وابسته شود. در نتیجه سیاست دوگانه ای را به همراه اروپا دنبال کرد که عبارت از شرکت در جنگ و کمک به دولت عراق علیه داعش باشد، اما نه آنقدر جدی که منجر به سرنگونی حکومت داعش در عراق شود زیرا نیاز به تغییرات و تحولات بیشتر داشت که در دراز مدت آن را متحقق می دید. از طرفی داعش را نیاز داشت تا بتواند حکومت اسد را ببیندازد و سپس از شر آن رها شود. در نتیجه سیاست متناقضی را باید پیش می برد که هم در حال جنگ با داعش باشد و هم منجر به نابودی آن نشود. بنابر این استراتژی جنگی محدود و پراکنده با تبلیغاتی بزرگ را پیش برد. در این میان جمهوری اسلامی که منافعش را در سوریه و در نهایت در لبنان در خطر می دید هر چند با کمک حزب الله لبنان وارد جنگ سوریه شد، اما توان نظامی و اقتصادی یارای پیشبرد استراتژی پیروز کردن حکومت اسد و قدرت گیری شیعیان در عراق را نداشت. همه ی این مولفه ها در نهایت منجر به تداوم جنگ و حتی قدرت گیری داعش شد.

بقیه «ظهور و افول داعش ...» از ص ۷

به جز کردهای سوریه هیچیک از طرفین درگیر ذره ای وضعیت فاجعه بار مردم سوریه و عراق برایشان اهمیتی نداشت. دسته دسته مردم بیشتر کشته، آواره، بی خانمان، گرسنه و بدون دسترسی به امکانات پزشکی می شدند اما در مقابل سیل سلاح و پول بود که برای گروه های ارتجاعی روانه میشد. مردم سوریه و عراق در یک فاجعه ی انسانی به تمام معنا غرق شدند اما قدرت های منطقه ای و جهانی ککشان گزیده نشد و همچنان نفت بر آتش جنگ ریختند.

دخالت روسیه و تغییر استراتژی غرب با حضور مستقیم روسیه در جنگ سوریه از طریق پشتیبانی وسیع هوایی شرایط جنگ تغییر کرد و توازن قوا به نفع رژیم اسد تغییر کرد. در مدت نه چندان زیادی حکومت اسد پیشروی کرد و مناطقی را باز پس گرفت. خط تدارکاتی نظامی هوایی توسط روسیه به سوریه ایجاد شد و در نتیجه استراتژی سرنگونی اسد از طرف غرب و ترکیه و عربستان عملاً شکست خورد. در نتیجه آنها استراتژی خود را تغییر داده و از یکسو فشار بر روسیه و از سوی دیگر زدن جدی تر داعش با حضور مستقیم و یا نیروهای دست نشانده در دستور کارشان قرار گرفت تا در فردای پایان جنگ سهمی از سوریه داشته باشند و بتوانند سوریه را حداقل تقسیم کنند و یا منفعی در قدرت

سیاسی بیابند. مردم کشور سوریه همچون کالبدی زخمی که قدرت های منطقه ای و جهانی همچون لاشخورانی به جانش افتاده اند و هر یک سهم بیشتری از آن طلب می کند. ذره ذره آن را می درند و می بلعند و در این راه به یکدیگر هجوم می آورند. اما در این گیر و دار کردهای سوریه در حال پیشروی هستند و می روند که دو منطقه ی جدا از هم و تنها راه ارتباطی ترکیه با سوریه و گروه های مورد حمایت آن را قطع کنند. ترکیه اکنون علناً به بمباران کردهای سوریه مشغول است اما نتوانسته از پیشروی آنها جلوگیری کند. این در شرایطی است که کردهای سوریه رودرروی داعش درگیر جنگ سنگینی هستند و ترکیه عملاً به داعش کمک می کند. خطر درگیری بین دولت ترکیه و روسیه بیشتر شده و پس از سرنگونی سوخوی روسی توسط ترکیه روابط آنها شدیداً دستخوش بحران شده است. غرب تلاش دارد به هر وسیله ای روسیه و دولت اسد را وادار کند به پای میز مذاکره بیایند تا دولتی مشترک و چیزی حداقل مثل عراق ایجاد شود که منافع طرفین را بر آورده کند. اما تاکنون روسیه و جمهوری اسلامی این استراتژی غرب را نپذیرفته اند و تلاش دارند تا حکومت اسد را سرپا نگهداشته و در نهایت پیروز میدان شوند.

در عراق نیز هر چند در بر همین پایه می چرخد اما به اشکال دیگری همین

استراتژی های متناقض پیگیری می شود. رقابت بر سر نفوذ در قدرت سیاسی و یا سمت و سو دادن به قدرت سیاسی عراق جریان دارد. جمهوری اسلامی شیعیان را مسلح کرده و اکنون آنها نیروی نظامی قابل توجهی هستند. نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا با تشدید حملات به داعش و تقویت قدرت نظامی عراق نقش پررنگتری در زدن داعش یافته تا از این طریق حکومت عراق را بیشتر به خود نزدیک کنند.

#### تغییر استراتژی غرب، ترکیه و عربستان

در نتیجه غرب، ترکیه و عربستان استراتژی خود را تغییر داده و از یکسو فشار بر روسیه و از سوی دیگر زدن جدی تر داعش با حضور مستقیم و یا نیروهای دست نشانده در دستور کارشان قرار گرفت تا در فردای پایان جنگ سهمی از سوریه داشته باشند و بتوانند سوریه را حداقل تقسیم کنند و یا منفعی در قدرت سیاسی بیابند. اما در مقابل آنها نیروی پرو غربی کُرد با رهبری و همدستی دولت اقلیم بارزانی ایجاد شد که منطقه ای را از داعش گرفتند و در حال گسترش دادن آن هستند.

ترکیه که به بمباران کردهای سوریه مشغول بود، نتوانسته از پیشروی آنها جلوگیری کند. این در شرایطی است که کردهای سوریه رودرروی داعش درگیر جنگ سنگینی هستند و ترکیه عملاً به



اقتصاد ترکیه لطمه دید. اما بیش از آن با حملات و بمب گذاری های داعش در ترکیه، بزرگترین درآمد ترکیه که از طریق صنعت توریسم است شدیداً کاهش یافت. بهای هتل ها و مکانهای گردشگری و بلیط ها به کمتر از نصف کاهش یافته است و نارضایتی از دولت اردوغان افزایش یافته است.

اما کودتای ترکیه استراتژی منطقه ای دولت اردوغان و معادلات منطقه را می تواند تغییر دهد. نظامیان کودتا گر طرفدار فتح اله گولن شکست خوردند و اردوغان فرصت یافت تا در جریان سرکوب کودتا خود کودتایی براه بیندازد. نه تنها کودتاگران را سرکوب کرد و قدرت را یکدست کرد بلکه بسیاری از نیروها و روزنامه های اپوزیسیون را نیز مورد حمله قرار داد. بسیاری از آزادی های سیاسی را باز پس گرفت و تسویه های وسیع در ارگان ها انجام داد. اما نکته مهم در معادلات منطقه ای در ارتباط با کودتای ترکیه این است که شائبه ی دخالت آمریکا برای اردوغان وجود دارد. ترکیه به عنوان متحد قوی آمریکا در منطقه در چند سال گذشته با افول قدرت آمریکا راه تبدیل شدن به قدرت منطقه ای را پیش گرفت و در پاره ای موارد با سیاست غرب هماهنگ نبود. خطر افزایش این فاصله و سیاست جاه طلبانه اردوغان شائبه ی حمایت از کودتاگران را افزایش داده. پس از کودتا

اردوغان خواهان استرداد فتح اله گولن که در آمریکا زندگی می کند شد و در اولین سفر خارجی پس از کودتا به روسیه رفت و پوتین را دوست خود خواند. آنها تا چندی پیش به شدت بر سر سوریه با یکدیگر سرشاخ شده بودند حال ممکن است ترکیه از آمریکا فاصله بیشتری بگیرد. سیاست ترکیه در مورد سوریه نیز کاملاً تغییر یافته و بر اردوغان آشکار شده است که دولت اسد در اوضاع کنونی سرنگون نخواهد شد. وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز بلافاصله عازم ترکیه شد تا شاید از این فرصت به نفع خود بهره ببرد. البته ترکیه عضو ناتو است و اقتصاد و ارتشش غربی است و به راحتی ممکن نیست از غرب به طور کامل روی برگرداند. به هر شکل آینده سیاسی ترکیه به عنوان یک قدرت بزرگ در خاور میانه می تواند در تغییر توازن قوا نقش بسزایی داشته باشد.

عربستان نیز که نیروی تدارکاتی و مالی داعش و جبهه نصرت (فاتح شام) را تامین می کرد تا حکومت اسد را بیندازد، دست از این استراتژی برداشته و خود را با سیاست غرب و پشتیبانی از نیروهای که می توانند جای پای با زدن داعش در سوریه ایجاد کنند همراه کرده است. عربستان تهدید کرده بود که موشک های ضد هوایی مثل استینگر را در اختیار "اپوزیسیون میانه حال" قرار خواهد داد.

داعش کمک می کرد. خطر درگیری بین دولت ترکیه و روسیه بیشتر شد و پس از سرنگونی سوخوی روسی توسط ترکیه روابط سیاسی و اقتصادی آنها شدیداً دستخوش بحران گردید. غرب تلاش دارد به هر وسیله ای روسیه و دولت اسد را وادار کند به پای میز مذاکره بیایند تا دولتی مشترک و چیزی حداقل مثل عراق ایجاد شود که منافع طرفین را بر آورده کند. اما تاکنون روسیه و جمهوری اسلامی این استراتژی غرب را نپذیرفته اند و تلاش دارند تا حکومت اسد را سرپا نگهداشته و در نهایت پیروز میدان شوند. ترکیه نیز در شرایطی که سرنگونی دولت اسد را منتفی دید به همراه غرب سیاست خود را شیفت داد تا با زدن داعش به وسیله ی نیروهای دست نشانده و یا غربی سهمی در آینده ی تجزیه شده و یا تغییر یافته ی سوریه بیابد. متقابلاً داعش نیز سیاستش در مقابل پل تدارکاتی سابق- دولت اردوغان- تغییر یافت و حملاتی را علیه ترکیه سازمان داد. در این گیر و دار که دولت اردوغان تلاش داشت به قدرت منطقه ای تبدیل گردد و آینده ی سوریه را در جهت منافع خود هدایت کند، لطمات زیادی متحمل شد. از روسیه که سالانه چهار و نیم میلیون توریست به ترکیه می رفتند و واردات مواد غذایی زیادی از ترکیه به روسیه وجود داشت، با تحریم های اعمال شده ی دولت پوتین علیه ترکیه

بقیه «ظهور و افول داعش...» از ص ۹

همانطور که در افغانستان و در دوران اشغال آن کشور علیه نیروی هوایی شوروی این کار انجام شد و نیروی هوایی شوروی تا حدود زیادی توان خود را از دست داد، بدین شکل شرایط جنگی تغییر خواهد کرد و بدین شکل در بیرون راندن نیروی هوایی روسیه نقش داشت. اما اکنون سیاست عربستان به غرب نزدیک شده و تلاش برای سهم گرفتن از سوریه با زدن داعش و یا حد اقل قطع تدارکاتش می تواند منافعش را دنبال کند.

در عراق نیز هر چند در بر همین پایه می چرخد اما به اشکال دیگری همین استراتژی های متناقض پیگیری می شود. رقابت بر سر نفوذ در قدرت سیاسی و یا سمت و سو دادن به قدرت سیاسی عراق جریان دارد. جمهوری اسلامی شیعیان را مسلح کرده و اکنون آنها نیروی نظامی قابل توجهی هستند. نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا با تشدید حملات به داعش و تقویت قدرت نظامی عراق نقش پررنگتری در زدن داعش یافته و از این طریق حکومت عراق را بیشتر به خود نزدیک کرده اند. طی چند ماه گذشته شهرهای رمادی و فلوجه از داعش بازپس گرفته شد و غرب به نیروی متحد و تعیین کننده ای برای پیروزی حکومت عراق تبدیل شده است. غرب منافعش را در عراق مطمئن تر دنبال می کند چون ثبات سیاسی بیشتری نسبت به سوریه وجود

دارد و حکومت اقلیم کردستان عراق نیز پرو غربی و متحد ترکیه است. هر چند که "حشد اشعی" وابسته به جمهوری اسلامی نیز به هر شکل قدرت نظامی قابل توجه و پایداری است که جمهوری اسلامی از طریق حضور آن در عراق منافعش را دنبال می کند. صادرات ایران به عراق همچنان قابل توجه است و با وجود شرایط جنگی چند ماهی است که پروژه های شهرک سازی به ایران تحویل داده شده و شرکت های ایرانی مشغول فعالیت ساخت و ساز هستند.

در این دوره غرب به رهبری آمریکا در خاور میانه چند استراتژی را دنبال می کند. اول زدن قدرت منطقه ای جمهوری اسلامی است که همچنان در دستور کار است. چه از طریق جنگ های منطقه ای و چه از طریق محدودیت های اقتصادی. بنابر این در مناطق پر نفوذ یا تحت نفوذ جمهوری اسلامی همچنان بحران ادامه خواهد یافت. تلاش غرب این است که یا دست جمهوری اسلامی را از آنها کوتاه کند و یا اینکه حداقل شرایطی ایجاد کند تا اگر هم ممکن نیست قدرت جمهوری اسلامی را بطور کامل در یک کشور بزند حداقل جمهوری اسلامی نه تنها نتواند از آنها منافع اقتصادی ببرد بلکه ناچار به هزینه کردن باشد. سوریه و یمن نمونه های بارز این وضعیت هستند. در عراق که جمهوری اسلامی هنوز منافع قابل توجه اقتصادی دارد و با وجود

شرایط جنگی پروژه های بزرگ خانه سازی و عمرانی به راه انداخته نیز مصونیت ندارد. در آخرین اقدام علیه منافع جمهوری اسلامی در عراق ۴ جولای بزرگترین پروژه خانه سازی در حومه بغداد که شرکت کیسون آن را شروع کرده است و در جنب کمپ لیبرتی قرار دارد، با بیش از چهل موشک مورد حمله قرار گرفت و تمام ماشین آلات و دفاتر و تجهیزات و تدارکات از بین رفت. تنها کارگران و پرسنل شانس آوردند و با وجود تخریب خوابگاه که در نتیجه اصابت موشک به نزدیک آن بود جان سالم به در بردند. در خبرها به اشتباه گفته شد کمپ لیبرتی مورد حمله قرار گرفته. ۴۷ موشک با سایت شرکت ایرانی کیسون اصابت کرده و فقط سه موشک به کمپ لیبرتی که آن هم چون در کنار ماشین آلات ساخت بتون بوده است. در حال حاضر پروژه تعطیل و کارگران و پرسنل به ایران بازگشتند. گروه خاصی مسئولیت حمله را به عهده نگرفته اما واضح است که هدف زدن یکی از پروژه های درآمد زای جمهوری اسلامی بوده است. گروه های وابسته به عربستان و یا حتی غرب می توانند عامل این حمله باشند. این یکی از نمونه های جنگ های نیابتی قدرت های منطقه ایست.

از طرف دیگر آمریکا تلاش دارد تا قدرت تضعیف شده ی خود را در منطقه بازیابد، اما کشورهای قوی منطقه هر یک

بقیه «ظهور و افول داعش...» از ص ۱۰

در تلاش برای تبدیل شدن به قدرت منطقه ای، تغییر توازن قوایی خاصی را به نفع آمریکا شاهد نیستند تا به این استراتژی آمریکا تن بدهند.

جمهوری اسلامی نیز هر چند در فشار است و در چند جبهه در حال جنگ و هزینه دادن می باشد، اما راه بازگشتی برایش وجود ندارد و در صورت از دست دادن قدرت منطقه ای منافع زیادی را از دست خواهد داد و نقاط ضعف بیشتری پیدا خواهد کرد. جدال چند سویه در منطقه که حتی پای نیروهای نظامی روسیه به آن باز شده و چندین ائتلاف مختلف شکل گرفته است، ادامه خواهد یافت و چشم اندازی برای پایان بحران در خاور میانه با وجود افول داعش وجود نخواهد داشت.

### افول داعش و نتایج آن

اکنون با توجه به تغییر معادلات منطقه ای خلافت اسلامی رو به افول است و تا پایان سال ۲۰۱۶ به احتمال زیاد داعش موقعیت کنونی اش را از دست خواهد داد و ممکن است تلاش کند تا ادامه حیات خود را در کشورهای دیگر مثل لیبی، سومالی و یمن ادامه دهد و به جریانی مثل القاعده تبدیل شود. هر چند معادلات جنگ و بده بستان های قدرت های جهانی و منطقه ای تابع هیچ قاعده ای به جز منافعشان نیست و از این زاویه هر زمان لازم باشد نه تنها داعش و جبهه نصرت

(فاتح شام) را حفظ می کنند بلکه دهها گروه دیگری مثل آن می سازند و یا تقویت می کنند. اما به هر شکل اکنون در کنار پیشروی ارتش اسد پیشروی کردهای سوریه نیز برای همه ی طرف های درگیر بخصوص ترکیه خوشایند نیست. و از این رو پایان یافتن جنگ پیشروی آنها را نیز متوقف خواهد کرد. استراتژی کنونی غرب به رهبری آمریکا ایجاد آتش بس با نیروهای به اصطلاح معتدل-مورد حمایت غرب- با ارتش اسد و کردهای سوریه است. از این طریق قدرت آنها برای تحولات و شریک شدن در قدرت حفظ خواهد شد و فقط مبارزه مشترک با داعش و جبهه نصرت (فاتح شام) پیش خواهد رفت که در آن صورت نیز نیروهای تحت حمایت غرب و ترکیه و عربستان می توانند سهم بیشتری از سوریه با اشغال مناطق تحت نفوذ ببرند. روسیه و جمهوری اسلامی و حکومت اسد هر چه بیشتر تلاش دارد مناطق تحت نفوذ نیروهای مورد حمایت غرب را باز پس بگیرد تا آنها کمتر بتوانند در آینده سوریه نقش داشته باشند اما موفقیت این استراتژی تضمین شده نیست. با تهدید عربستان و ترکیه برای ارسال نیرو برای به اصطلاح مبارزه با داعش فشار بر روسیه و حکومت اسد بیشتر شد. ترکیه نیروهای محدودی را دوپست متر در خاک سوریه و در یک منطقه کوچک اعزام کرد و با گلوله باران توپخانه ای

کردهای سوریه سعی داشت تا از پیشروی آنها جلوگیری کند و عملاً به داعش کمک می کند تا مناطق تحت نفوذش را حفظ کند. اما این تاکتیک جنگی زیاد موثر نبود و کردها در حال پیشروی از دو سمت منطقه افلین و شرق هستند و اکنون بسیار به هم نزدیک شده اند و در صورت پیوستن موقعیت و یکپارچگی خود را تثبیت خواهند کرد که برای ترکیه اصلاً خوشایند نیست. اکنون وضعیت نزدیک به موقعیت آتش بست بین حکومت اسد و "نیروهای میانه رو" است. حلب در آستانه اشغال توسط نیروهای حکومت اسد قرار گرفته و جنگ به شدت جریان دارد و اگر حلب اشغال شود ضربه سختی به نیروی اپوزسیون است در نتیجه غرب تلاش کرد تا قبل از این اتفاق آتش بس را برقرار کند که همینطور شد. و روسیه تلاش دارد با تمرکز پیشروی در استان حلب این شهر را توسط ارتش اسد باز پس بگیرد و سپس از موضع قدرت پای میز مذاکره بنشیند. اکنون که روسیه تا حدود زیادی نیروهای بینابینی و متمایل به غرب را تضعیف کرده می تواند با حمله به داعش و جبهه نصرت (فاتح شام) قدرت حکومت اسد را باز هم در موقعیت پیشروی قرار دهد.

با افول داعش اسلام سیاسی در منطقه ضربه خواهد خورد و هر چه بیشتر آثار و تاریخ جنایت و وحشی گری جریانات اسلامی بازبینی خواهد

بقیه «ظهور و افول داعش...» از ص ۱۱

شد. هر چند قدرت های منطقه ای تا مدت زیادی با ابزار اسلام سیاسی همچنان بازی خواهند کرد اما با ظهور و افول داعش و جریاناتی مثل آن بیشتر می شود نشان داد که جریانات اسلامی از این دست چگونه زندگی مردم را به تباهی میکشند و حکومت هایی مثل جمهوری اسلامی و عربستان خود از جمله ی مرتجع ترین حکومت های دینی هستند که زندگی مردم را به تباهی می کشند و دست اندر کار جنگ ها و جنایات در منطقه هستند. اسلام سیاسی ابزار قدرت های کاپیتالیستی در منطقه است تا بدین شکل منافع خود را تامین کنند. ما سوسیالیست ها باید تلاش کنیم رابطه ی منافع قدرت های کاپیتالیستی منطقه و حتی جهانی را با اسلام سیاسی منطقه آشکار کنیم و پرده از روی واقعیات برداریم. تمام تلاش قدرت های جهانی و منطقه ای این است که خود را میرا از اسلام سیاسی نشان دهند و یا اینکه اینطور جلوه دهند اسلام سیاسی آنها از نوع دیگری به جز اسلام سیاسی داعشی است. قدرت های جهانی و غربی و روسیه و لیبرال ها تلاش دارند نشان دهند در حال مبارزه با اسلام سیاسی هستند و حتی به این توهم دامن بزنند که برای مبارزه با اسلام سیاسی همه باهم باید متحد شویم و جبهه مشترکی ایجاد کنیم. ما سوسیالیست ها باید تلاش کنیم با برداشتن پرده از روی واقعیت نشان دهیم

که آنها نه تنها در مقابل و در جدال واقعی با اسلام سیاسی نیستند، بلکه گاه در حمایت و یا مماشات از آن عمل می کنند و گاه آنها را به خوب و بد تقسیم می کنند تا از این راه خاک به چشم کارگران و مردم بریزند. افشای اسلام سیاسی جدای از افشا و مبارزه با کاپیتالیسم نیست.

غرب و لیبرال ها تلاش دارند تا پتانسیل ایجاد شده در مبارزه با داعش و در نهایت اسلام سیاسی در خاور میانه را به نفع خود جذب کنند و یا حداقل در کانالی خنثی و بی خطر کانالیزه کنند تا از این راه منافع آنها پس از افول داعش حفظ شود. احزاب کمونیست کارگری، حکمتیست و حزب کمونیست ایران با بیانیه سکولاریستی راه غرب را هموار می کنند. جریانات سوسیالیست در بحران موجود در خاور میانه نمی توانند صرفا جانب اسلام ستیزی را بگیرند. بحران و جنگ های موجود می توانند تناقضی را در خود رشد دهند تا طبقه کارگر و مردم از آن استفاده کنند. سکولاریسم این پتانسیل را می تواند به چالش بکشد و به کژ راهه ببرد.

واضح است که داعش پتانسیل خود را در دیگر مناطق مثل لیبی، افغانستان، یمن و ... حفظ خواهد کرد اما در این حد و اندازه نمی تواند عرض اندام کند. ظهور داعش اگر توانست پتانسیل سرخوردگی و عصیان را تا حدودی جذب کند از زاویه منافع غرب شکست داعش نیز باید

پتانسیل انقلابی و آزادی خواهی را جذب لیبرالیسم کند. بزرگترین اشتباه سوسیالیست ها و آزادیخواهان این است که در این بحران منطقه ای آب به آسیاب لیبرال سکولارها بریزند. اتحاد و اعلام همبستگی با لیبرال سکولاریسم راه را برای تامین منافع قدرت های غربی هموار می کند.

### تحولات منطقه و اپوزیسیون ایران

اختلافات منطقه ای جمهوری اسلامی و عربستان به اوج خود رسیده و پس از حمله نیروهای حزب الله و بسیجی به سفارت عربستان، تقابل ها آشکارتر گردیده است. عربستان دیگر تنها در منطقه با جمهوری اسلامی سرشاخ و درگیر نیست، بلکه تلاش دارد در داخل ایران نیز جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهد. حضور علنی وزیر اطلاعات سابق عربستان سعودی در مراسم سازمان مجاهدین و استقبال از او و در اختیار قرار دادن تریبون به او نشان از حمایت عربستان از مجاهدین خلق است. مجاهدین خلق که دیر زمانی است به دنبال جلب حمایت قدرت های جهانی یا منطقه ای هستند با وصل شدن به عربستان از منابع مالی زیادی بهره خواهند برد. برای آنها پول اهمیت بیشتری دارد، تا برای حفظ آبرو به دولت سر تا پا مرتجع عربستان وصل نشوند. از سوی دیگر تغییر سیاست حزب دمکرات - به رهبری مصطفی هجری- و روی آوردن به

## دوازدهمین کنفرانس سالانه اتحاد سوسیالیستی کارگری برگزار شد

دوازدهمین کنفرانس سالانه اتحاد سوسیالیستی کارگری در روزهای ۲۱ تا ۲۴ ژوئیه، همزمان در کانادا و سوئد برگزار شد. در این کنفرانس تعدادی از رفقای مهمان و نمایندگان از سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان شرکت داشتند و به کنفرانس پیام دادند.

کنفرانس سه موضوع را در دستور کار خود داشت. ۱ - گزارش سیاسی. ۲ - گزارش عملکرد. ۳ - انتخابات. در گزارش سیاسی بر تداوم بحران اقتصادی جهانی تاکید شد؛ دلایل فقدان یک نظام امنیتی منطقه و رقابت و جنگ کشورهای مختلف برای شکل دادن به آرایش مطلوب خود بررسی شد؛ اوضاع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی ایران به ویژه پس از برجام تشریح شد و موقعیت جنبش زنان، رفع ستم ملی، دانشجویی و کارگری بعنوان جنبشهایی ارزیابی شد که در اتحاد با هم و در چارچوب یک استراتژی سوسیالیستی می تواند آلترناتیو در مقابل رژیم اسلامی باشد و برای مردم ایران آزادی و رفاه ایجاد کند.

در گزارش عملکرد فعالیتهای عمومی سازمان و همچنین فعالیت هر یک از ارگانهای ارزیابی و نقاط ضعف و قدرت هر یک بررسی شد و به ویژه بر بهبود کمی و کیفی فعالیت نشریه و تلویزیون تاکید شد.

جلسه پایانی کنفرانس انتخابات بود که طی آن اعضای کمیته اجرایی و دبیر شورای مرکزی انتخاب شدند. مطابق روال همیشگی پس از هر کنفرانس اعضای کمیته ها و دیگر مسئولین سازمان توسط کمیته اجرایی تعیین میگردد.

### کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

ژوئیه ۲۰۱۶

بقیه «ظهور و افول داعش ...» از ص ۱۲

اعدام کرد تا نشان دهد هیچ اقدام مسلحانه ای را تحمل نخواهد کرد و پیش از آن نیز نیروهای حزب دمکرات را در یک روستا محاصره کرد و تعدادی را کشت. اپوزیسیون بورژوازی ایران تا همینجا تحت تاثیر اختلافات منطقه ای شیفته و ممکن است شاهد تغییرات بیشتری نیز در این رابطه باشیم. قابلیت های بیشتری در اپوزیسیون راست برای وصل شدن به عربستان و غرب وجود دارد. اپوزیسیون کارگری و سوسیالیست وظیفه دارد ضمن هشجاری لازم نه تنها هر چه بیشتر نقش ارتجاعی عربستان و متحدین جدید آن را افشا کند و بر راه مبارزه طبقاتی کارگران علیه جمهوری اسلامی به مثابه تنها راه رهایی جامعه تاکید نمایند.

اوت ۲۰۱۶

به مبارزه مسلحانه در شرایطی که هیچ تغییر شگرفی در اوضاع سیاسی ایران روی نداده ممکن است مشابه سیاست مجاهدین خلق باشد و یا حداقل به موازات آن است. جمهوری اسلامی این سیاست عربستان را تشخیص داد و در واکنش یکصد و بیست نفر از سلفی های کردستان را بازداشت و بیست نفر را

## مدیای جهانی. حقوق بشر و حقایق پنهان!

محمد حسین مهرزاد

در جهان سازمان های حقوق بشری وابسته به سازمان ملل و مدیاهای بزرگ غربی ظاهرا بدون وابستگی و جانبداری و با رعایت دموکراسی اخبار را بازگو می کنند و یا مدافع حقوق انسان ها بدور از گرایشات و تعلقات سیاسی شان هستند. حتی برخی از به اصطلاح چپ ها با سازمان های حقوق بشری همکاری و فعالیت می کنند و یا بسیاری بر این باورند که مدیای جهانی با توجه به اعتبار و جایگاهشان مستقل هستند و فقط حقایق را بازگو می کنند. اما در زیر پوست این ظاهر زیبا واقعیات نهفته ی بسیاری وجود دارند که به یک نمونه آن اشاره می کنیم.

خبر گزاری بی بی سی فارسی در خبری کوتاه اعلام کرد که مردی به نام آلبرت وود فاکس پس از ۴۳ سال زندان انفرادی در آمریکا از زندان آزاد شد!!

آلبرت وود فاکس آخرین نفر از حلقه ۳ نفره زندانیان معروف به انگلای ۳ بود که آزاد شد. آنها در دهه ی شصت میلادی گروهی از سیاه پوستان بودند که در مقابل خشونت پلیس آمریکا گروهی به نام "پلنگان سیاه" ایجاد کردند و تلاش داشتند مبارزه قهر آمیز کنند. پس از دستگیری در جریان شورش در زندان در واکنش به بد رفتاری های زندانبانان یک پلیس

کشته شد که او و یکی از رفقاییش متهم به این قتل شدند. اتهامی که هرگز آنرا نپذیرفتند. آلبرت تمام مدت ۴۳ سال، از هر ۲۴ ساعت ۲۳ ساعت را در تنهایی مطلق سلول انفرادی به سر می برد. این سه نفر در زندان فوق امنیتی لوئیزیانا زندانی بودند.

دو دوست دیگر او به نام های هرمان والات و رابرت کینگ نیز بیشتر عمر خود را در سلول انفرادی سپری کردند. در حالی که فقط هرمان همچون رابرت متهم به قتل پلیس در جریان شورش بود و رابرت کینگ از این اتهام مبرا بود. رابرت کینگ و هرمان والاتس به ترتیب در سال های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۳ از زندان آزاد شدند اما هرمان والاتس مدت کوتاهی پس از آزادی درگذشت و ظاهرا او را برای این آزاد کردند که فقط در زندان جاننش را از دست ندهد و موضوع تبلیغاتی نگردد. این در حالی بود که هرمان می بایست در یک دادگاه دیگر هم شرکت می کرد. دادگاهی با اتهاماتی که ظاهرا همراه با پاپوش شکل گرفته بود.

آقای وود فاکس در سن ۶۹ سالگی در تاریخ ۲۰ فوریه ۲۰۱۶ آزاد شد. این در حالی است که او باید منتظر برگزاری سومین دادگاهش باشد و چه بسا با حکم دیگر زندان روبرو شود.

همه ی آنها که در سلول انفرادی بوده اند

می دانند که هر روز سلول انفرادی شکنجه است و بنابر این وودی فاکس ۴۳ سال شکنجه شد و دیگر دوستانش نیز بیشتر عمرشان را شکنجه شدند. در تمام این سال ها نهادهای حقوق بشری و دیگر نهادهای قانونی و به اصطلاح دموکراتیک و رسانه های گروهی هیچ سخنی در مورد آنها نگفتند و موضوع را با سکوت در تاریکی قرار دادند. این در حالی است که هر زمان منافع دولت آمریکا ایجاب می کند در هر گوشه ی دنیا فریاد نقض حقوق بشر برآید و هر زمان که خود دست به جنایت و شکنجه می زند یا با سکوت و یا با مخدوش کردن واقعیت سعی در پنهان کردن حقیقت دارد. مورد وود فاکس و دوستانش سرنوشت چند جوان سیاه پوست بود که تنها با مشاهده تبعیضات و خشونت های نژاد پرستانه پلیس آمریکا تلاش داشتند دست روی دست نگذارند و مبارزه کنند. این یکی از هزاران مورد ها است که با سکوت پنهان می شود. دنیای کاپیتالیستی چنان جنایات و فجایعی می آفریند که حتی تصور و باورکردنش سخت است.

مدیاهای جهانی و حقوق بشر غربی با کمرنگ و پررنگ کردن اخبار و یا حتی با نادیده گرفتن اخبار خط کاپیتالیستی غرب را پیش می برند. در دنیایی به ظاهر آزاد اما مملو از تناقضات مدیای





## بمناسبت آزادی فعال جنبش کارگری.

### محمد جراحی

محمد جراحی در نوزدهم مرداد آزاد شد. او در خرداد سال ۱۳۹۰ در بیدادگاههای رژیم اسلامی به اتهام های واهی امنیتی به پنج سال زندان محکوم شد. محمد جراحی هیچگاه اتهامات خود را نپذیرفت و ضمن تاکید بر حقانیت خویش نوشت: "من یک کارگرم و تا ایجاد تشکل ها و سندیکاها کارگری فعالیت خواهم کرد."

محمد جراحی کارگر نقاش، و عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری، با وجود مشکلات جسمی فراوان، ۵ سال حبس را بدون یک روز مرخصی در زندان تبریز گذراند و به او حتی برای گذراندن دوران درمان هم مرخصی استعلاجی ندادند. محمد جراحی در زندان نیز دست از مبارزه نکشید و از جمله در دیماه ۱۳۹۲ در بخشی از نامه خود به تشکلهای کارگری جهانی نوشت:

"من کارگر نقاش و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری اینک سومین سال زندان خود را پشت سر میگذارم. من به اتهام های واهی و غیر واقعی زندانی شدم. واقعیت اینست که من فعالیت خود جهت تامین رفاه طبقه کارگر و دیگر تهیدستان و زحمتکشان را حق ابتدایی خود میدانم و به آن افتخار میکنم و یک لحظه نیز از این تلاش کوتاه نخواهم آمد.

زندان جای من و امثال من نیست. زیرا که نه دستانم به چپاول و غارت و اختلاس های میلیاردری و افسانه ای آلوده است، نه موجب ریختن خون انسانهای شده ایم و نه بر ویرانه های مردم زحمتکش و کارگران کاخ هایی افراشته ایم.

جرمان تنها و تنها دفاع از حقوق اجتماعی خود و همکاران و دیگر زحمتکشان است. ما برای یک دنیای بهتر مبارزه میکنیم.

دنیایی که شایسته انسانهاست.

من امروز در زندان تبریز، میان تهدیدها و اذیت و آزار زندانبان به هر نوع و شکلی دست به گریبانم. من بیش از یک ماه است که از بیخوابی رنج میبرم. چنان که بر اثر خستگی و بی خوابی مفرط تنها دو ساعت از حال میروم. هر چه در خواست بهداری و درمانگاه میکنم کوچکترین توجهی نمیکنند. مسئولین زندان آشکارا شاهد این شکنجه روحی و روانی من هستند.

من به همه کارگران و دیگر مردمان آزادیخواه و برابری طلب اعلام میکنم که این مسئولین زندان هستند که موجبات مرگ مرا فراهم کرده اند."

محمد جراحی پس از آزادی از زندان قبل از رفتن به خانه خودش ابتدا به دیدار خانواده شاهرخ زمانی و سپس به مزار همرمز قدیمی خود رفت که در شهریور سال گذشته در زندان به قتل رسید. شاهرخ زمانی و محمد جراحی در تبریز دستگیر شدند و با اتهامات دروغین در بیدادگاه سرمایه به حبس محکوم شده بودند.

ما آزادی محمد جراحی را به خانواده وی، به فعالین جنبش کارگری و دوستانش تبریک می گوئیم.

#### کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

یازدهم اوت ۲۰۱۶

برای قدرت های کاپیتالیستی مشکلتر می شود و بازدارندگی ایجاد می گردد. ماجرای تلخ آلبرت وود فاکس و دوستانش را بازگو کنیم و این حقیقت پنهان را به گوش جهانیان برسانیم.

جولای ۲۰۱۶

که با افشا و پخش حقایق پنهان مردم را آگاه کند. هر چند مردم معمولی از امکانات رسانه ای و نهادهای بین المللی برخوردار نیستند، اما به هر شکل میلیون ها نفر اکنون حقایق را دنبال و یا اشاعه می دهند. با تکثیر اخبار پنهان عملا کار

بقیه "مدیای جهانی ... از ص ۱۴"

مشخص طبقاتی خاصی را دنبال می کنند. اما امروزه خبرگزاری های دیگری نیز وجود دارند که کار را برای دولت های کاپیتالیستی مشکل کرده اند. امروزه هر فردی می تواند خبرگزاری مستقلی باشد

# بردگی کودکان سوریه در ترکیه

بود قیل از اینکه به آنطرف آنها به مصر برسد جانباخته است. جگرم پاره پاره است که حتا نتوانستم بر مزارش باشم و با او وداع کنم. ما برای آینده ای بهتر بهای گزافی را پرداختیم. بچه ها در سوریه همه بمدرسه میرفتند اما حالا دیگر چیزی بیش از این ندارم که فدای آنها کنم.

طبق آمار بین المللی، دو میلیون و هشتصد هزار مهاجر سوری در ترکیه وجود دارد که ۸۰۰ هزار نفر آنها کودک مدرسه ای هستند و فقط ۲۲۰ هزار از آنها بمدرسه میروند. از بچه هایی که در کمپهای مهاجرین اند، بیشتر از ۹۰ درصدشان خارج قوانین کمپ هستند و از حداقل امکانات محرومند. مشکلات زبانی و اقتصادی مانع بزرگیست که جامعه آنان را پذیرا باشد. در حال حاضر فقط سه میلیون کودک مجموعا در داخل و خارج مرزها به مدرسه راه یافته اند.

روا در این سرگذشت تنها نیست. ۸۰ درصد کودکان با حقوق های بسیار ناچیز بکارهای مختلفی از جمله مکانیکی اتومبیل، دستفروشی و کار در کارگاه ها مشغولند. برای خانواده ها انتخاب دیگری وجود ندارد و تازه هر خانواده ای با تمام مشقات ماهانه پانصد یورو دارند که حتا کفاف اجاره خانه شان را نمیدهد.

کشور ترکیه خود یک میلیون کودک کار دارد که حالا با کودکان سوریه ای هم سرنوشت اند.

در این کارگاه کوچک از جفت کردن تا اتیکت زدن و داخل کارتون گذاشتن و حمل آنها، کار بیست نفر است که پانزده تا از آنها کودکان سوریه ای اند. وضعیت در کارگاههای دیگر شهر و در زیرزمینها هم بهمین منوال است.

خانواده روا در یک قطعه پانزده متری زندگی میکند. مادرش بعلت پا درد فقط قادر به کار نصفه روزه است و پدرش بخاطر سخته قلبی احتیاج به دارو دارد.

مادر روا میگوید: وقتی با دخترم بگردش میرویم او از من سوال میکند که چرا برایش هیچوقت چیزی نمیخرم. نگاه و سئوالش مثل خنجری هر بار بقلبم میخورد و بیرون می آید. آخر ما راه دیگری نداریم. او باید کار کند چون شوهر بیمارم فقط بخشی از داروهایش را با کار او میتواند تهیه کند. اگر او کار نکند ما نمیتوانیم به زندگی ادامه بدهیم. خوب گذران زندگی در ترکیه اینجوری است.

رویای خانواده این بود که به اروپا بروند. ولی این رویا خانواده شان را از هم متلاشی کرد. او عکس قبر پسرش را بمن (خبرنگار) نشان داد که یک زن مصری برایش فرستاده بود. او که پسر بزرگ آنها

هزاران کودک مهاجر سوریه ای بجای اینکه در ترکیه بمدرسه بروند برای گذران معیشت خود و خانواده شان در کارگاههای کوچک مشغول بکارند.

در حالیکه کودکان شهروندان ترکیه در مدارس اند، روا، کودک هفت ساله سوریه ای با ۱۲ ساعت کار طاقت فرسا (هشت صبح تا هشت شب) کارتونهای بزرگ بسته بندی شده را جابجا میکند.

روا میگوید: رویای من رفتن بمدرسه است اما پدرم بیمار است و من مجبورم که خانواده را تامین کنم.

او سه سال در سوریه درس خوانده بود که جنگ خانمانسوز او و بسیاری را مجبور به مهاجرت به ترکیه کرد. در ترکیه بچه های مثل او روزانه برده وار استثمار میشوند. او فقط ۲۰۰ لیر که بزحمت برابر با ۷۰ یورو در هفته میشود دریافت میکند.

احمد اولسالسی مالک کارگاه پارچه بافی میگوید: تازه همه مثل روا کارگر خوبی نیستند. او دختر خوب و مهربانی است و بخاطر شرایط بدی که دارد ما بهش کمک میکنیم.

بقیه بردگی کودکان... از ص ۱۶

راه اندازی کرده میگوید: تمام مدت سال به کارخانه ها رفتم و کودکان کار را نجات داده ام. او در رپورتاژ روزنامه خبری اش تعریف میکند که زمانیکه بیگاری برده وار کودکان را مشاهده میکردم تمام بدنم از ناراحتی میلرزید و همان زمان با چند داوطلب دیگر "انجمن بچه های کار باید بمدرسه بروند" را تاسیس کردیم و تا بحال توانستیم هشتاد و هشت کودک را در استانبول نجات دهیم اما هنوز ۱۰۰ هزار کودک سوریه ای در استانبول وجود دارند که بمدرسه نمیروند. ما با جمع آوری کمک مالی و تماس با کودکان و خانواده هایشان سعی میکنیم که به آنان خدماتی در حد این انجمن بدهیم و یکی از آن بچه ها رو آ است که در کارگاه بسته بندی جوراب دوازده ساعت کار میکند. او آرزو دارد که روزی پزشک شود و به سوریه بازگردد.

واضح است که در نظام سرمایه داری در عصر بحران و گندیدگی اش، هرگز حاضر به از دست دادن این کارگران کوچک کم مزد نیست و برای سودآوری و استثمار هر چه بیشتر آنان، چشمش را بر وجود چنین ننگی بزرگی ببندد.

به نقل از: سایت سوئدی کودکان کار  
<https://svenska.yle.fi/artikel/2016/05/16/svenska-yle-i-turkiet-syriska-barn-jobbar-med-svaltton>

**نویسنده: Jessica Stolzmann**

**ترجمه و تنظیم: پروانه وزیری**

گفته میشود که در یکی از محله ها بنام فتیح واقع در استانبول کودکان چهارده ساله سوریه ای، شبانه به آموزش ریاضی مشغولند. معلمشان که "هانادی ال کادی" نام دارد و بطور داوطلبانه به آنها درس می دهد، میگوید: وقتی از بچه ها حالشان را میپرسم، همیشه جواب خسته ایم را می شنوم. چون از چهارده نفر، نه نفرشان بیشتر از هشت ساعت در روز کار می کنند.



عایشه دختر کوچکی که ردیف اول نیمکت نشسته میگوید: او در خیاط خانه کار میکند و لیاد که پهلوی اوست هم در همان کارگاه است و هر دو از ساعت یک بعدازظهر تا هشت و یازده شب کار میکنند و هشت ساعت هم وقت صرف تکالیف مدرسه شان میکنند.

معلم میگوید که امیدوار است که به آنها کمک کنند. اینها بچه هایی اند که کودکی شان بر باد رفته است."

حایدین" که یک انجمن داوطلبانه را تازه

انجمن "سپورت لیف"، و "اگر میانوتوگلو"، فعال این انجمن که از خانواده های سوریه حمایت میکند، میگوید: بچه های مهاجر حق دارند به مدرسه بروند ولی آموزش و پرورش ترکیه وضعیت خوبی ندارد و با کمبود امکانات مانند معلم، مترجم، مدارس مواجه است. آنها برای ورود به این سیستم باید سخت مبارزه کنند تا بتوانند کودکانشان را بمدرسه بفرستند. بزرگترین مشکل آنان زبان و مسئله اقتصادی است. از طرفی بدلیل رقابت شدید بین مدارس ترکیه، خانواده های دانش آموزان ترکیه معتقدند که ورود این بچه ها بمدارس، سطح آموزشی کودکانشان را بدلیل مشکلات زبانی پایین می آورد.

گفته میشود که کار کودکان سوریه در میدین تره و میوه جات بسیار عادیست و کودکان بخاطر جثه کوچکشان بسختی از انجام آن برمی آیند و بسیاری از آنان در محیط کار از جانب کارفرماها موجب آزار و اذیت و یا ضرب و شتم قرار میگیرند. با وجود اینکه وزیر کار دستور داده که کار کودکان را کنترل کنند اما کارفرماها در مورد وجود کودک کار در زیرزمین ها شان سکوت میکنند.

متأسفانه این نسل از کودکان جنگ سوریه که در ترکیه خواندن و نوشتن نمیدانند اکثراً در سنین بسیار پایین مجبور به ازدواج ناخواسته میشوند.

## در اندوه از دست دادن

### عمر شاکری

با درگذشت عمر شاکری در بیست و یکم مرداد، جنبش کارگری یکی از فعالین خوش فکر و کمیته هماهنگی یکی از یاران دیرین خود را از دست داد. ما درگذشت عمر شاکری را به خانواده وی و فعالین جنبش کارگری تسلیت می گویم.

یادش گرامی باید



سنگین و از جمله شلاق زدن کارگران معترض در ملاء عام هزینه ایستادگی جنبش کارگری و فعالینش علیه کارفرما و رژیم اسلامی است. جنبش کارگری و فعالینش تسلیم نشده و نمی شوند. این مجازات ها راه بجایی نمی برد. زندان، فعالین کارگری را خاموش نمی کند و از مبارزه و ان نمی دارد. مبارزه جنبش کارگری علیه رژیم اسلامی سرا پا فاسد جریان خواهد داشت و فعالین کارگری در زندان نیز فعالیت خود را علیه رژیم اسلامی و برای مطالبات کارگری ادامه می دهند. اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده به اهدافش که افشاگری علیه سرکوب فعالین کارگری است در حد خود به نتیجه رسیده و باید خاتمه یابد. جعفر عظیم زاده و دیگر زندانیان کارگری و سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

سرنگون باد رژیم اسلامی سرمایه  
کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

۲۹ می ۲۰۱۶

## جعفر عظیم زاده باید فوراً و

### بدون قید و شرط آزاد شود

نزدیک به یک ماه از اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده از فعالین اتحادیه آزاد در زندان می گذرد. جعفر عظیم زاده به علت فعالیت‌هایی در دفاع از جنبش کارگری دستگیر، محاکمه و زندانی شده است. حبس دراز مدت برای جعفر عظیم زاده بخشی از سیاست جدید رژیم اسلامی برای بالا بردن هزینه مبارزه برای فعالین کارگری است. صاحبان صنایع و سرمایه که خود رژیم اسلامی بخشی از آنهاست با کوچک ترین خواسته‌های جنبش کارگری مخالف اند و هر حرکت اعتراضی کارگری را سرکوب می کنند. تعیین حبس های طولانی برای فعالین کارگری توسط قوه فاسد قضائیه و آدمکش هایی تحت لوای قاضی بیدادگاه ها نتوانسته جنبش کارگری و فعالینش را خاموش کند. مجازات های

سر دبیر

رضا مقدم

به پیش!

# سیاست رژیم اسلامی از گسترش ماده مخدر صنعتی شیشه در میان جوانان در ایران

## سیروان پرتو نوری

درباره ماده مخدر صنعتی شیشه و تخریب های خطرناک آن در تلویزیون، رادیو، از زبان عامه مردم و... بسیار شنیده ایم. اغلب شنیده ها و مشاهده ها هم شبیه یکدیگر میباشند. بطور مثال میگویند اگر شیشه مصرف کنی بعد از چند ماه بر روان و مغز انسان تاثیر میگذارد به شیوه ای که انسان یا دچار توهم می شود یا دیوانه خواهد شد. یا میگویند بعد از چند سال کرم بدن انسان را میخورد و زره زره بدن را از بین میبرد. یا میگویند اعتیاد به شیشه از هر ماده مخدر دیگری بدتر و خطرناک تر است و خیلی توصیفات دیگر از این دست. ولی آیا تمام واقعیت همین است؟ در اینجا دوست دارم تاریخچه ای مختصر از پیدایش این ماده مخدر را برای شما ذکر کنم. متأمفتامین یا شیشه اولین بار در سال ۱۹۱۹ در ژاپن تولید شد. شیشه از مشتقات داروی معروف آمفتامین بوده و در آغاز یک داروی مجاز بشمار میامد. هردو تای این داروها ابتدا در داروهای ضد احتقان بینی و نیز اینهالرهاي برونشیال مورد استفاده قرار گرفتند، (مثل افدرین و پسودوافدرین پیش سازهای آمفتامین ها که درحال حاضر هم در اکثر

داروهای ضد سرماخوردگی موجود میباشند). متأمفتامین در درمان چاقی هم مورد استفاده قرار میگرفت. این دارو اولین بار در سال ۱۹۳۰ وارد آمریکا شد. در مورد ایران آمار صحیحی در دست نیست اما حدوداً ۱۰ سال پیش برای اولین بار با این ماده مخدر در ایران برخورد کردیم. در دهه ۱۹۵۰، قرصهای کاملاً قانونی مت مورد استفاده قرار میگرفت. در این سالها مصرف غیر پزشکی مت بیش از آنکه تفریحی باشد به منظور خاصی و جهت افزودن بر کارائی افرادی مثل دانشجویان، رانندگان کامیون و ورزشکاران استفاده میشد. البته مصرف تفریحی و حتی تدخین مت بطور محدود وجود داشت. در دهه ۱۹۶۰ با پیدایش نوع تزریقی مت، استفاده از آن بطور شدیدی افزایش یافت. در کالیفرنیا خانه های بسیاری مبدل به آزمایشگاههای مخفی جهت تولید مت شدند. در سال ۱۹۷۰، قانون ممنوعیت تولید مت تزریقی وضع شد و توانست تا حد زیادی آمار مصرف را پایین بیاورد. نوع قابل تدخین یا متأمفتامین هیدروکلراید (آیس) اولین بار در سال ۱۹۸۰ در کره جنوبی و تایوان ساخته شد. البته مصرف تدخینی مت قبلاً هم وجود داشته است (در

سال ۱۹۶۸ در هاوانی و نیز اواخر دهه ۱۹۵۰ در مناطقی از آمریکا گزارش شده است) ولی حرارت زیادی جهت تبخیر مت لازم است که با کریستالیزه کردن آن و ساخت آیس این دما کاهش یافته است. اجازه دهید به شیوه دیگری به قضیه بنگریم، جوانی را در نظر بگیرید که برای اولین بار در یک میهمانی شبانه یا هر مکان دیگری شیشه مصرف میکند. احساسی که او پیدا میکند با آنچه گفته شد بسیار متفاوت است، بسیار پر انرژی میشود، سطح هوشیاری بسیار بالایی پیدا میکند، میتواند تا صبح بیدار بماند بدون اینکه کوچکترین احساسی از خستگی داشته باشد، تمرکز بسیار بالایی پیدا میکند، میتواند ساعتها مطالعه کند بدون اینکه کوچکترین پاراگرافی را فراموش کند و.... و این اثرات میتواند برای او حتی پس از بارها مصرف تکرار شود، حال به نظر شما چگونه میتوان به او فهماند که تمام این مسائل کاذب و یا شاید زودگذر است و یا اینکه عوارض حاصل از مصرف شیشه یا همان اثرات ثانویه در دراز مدت آنچنان شدید میشود که تمام این به ظاهر فواید را در خود محو خواهد کرد.



بقیه «سیاست رژیم اسلامی...» از ص ۱۷

من گمان میکنم باید با او صادق بود، جوان امروز با هوش است و هیچ مطلبی را تا صحت و سقم آن به او ثابت نشود، نمی پذیرد. ممکن است در ظاهر شبهه تائیدی برای دلخوشی به ما نشان دهد اما در درون او جریان به گونه ای دیگر است یا ما را نادان تصور میکند و یا فکر میکند ما او را نادان تصور کرده ایم و در هر دو صورت یک نتیجه حاصل خواهد شد، او دیگر هرگز به ما اعتماد نخواهد کرد.

در اینجا سعی کرده ام با دید واقع بینانه تری به شیشه بپردازیم، در ایران غالباً شیشه را جزئی از مواد روان گردان به حساب می آورند و اثرات آن را با موادی از قبیل Isd و دیگر توهم زاها مقایسه میکنند در صورتی که این مطلب بطور مطلق صحیح نمی باشد و در فاز اولیه شیشه تنها یک محرک بسیار قوی است که اثرات آن شامل رفع خستگی، احساس شادابی و سرخوشی و موارد ذکر شده قبل و بسیاری موارد دیگر می باشد که در مراحل بعدی مصرف تبدیل به یک توهم زای بسیار شدید میشود، آنچنان شدید که وصف آن ناممکن به نظر میرسد.

اغلب مصرف کنندگان این ماده در ماه های اول مصرف اثرات توهم زائی بسیار کمی را تجربه کرده اند و فاز غالب آنها لذت بردن بسیار زیاد، تجربه داشتن سطح

بسیار بالای انرژی، خلاقیت فراوان ذهنی و... بوده است که این فرایندها تا مدت محدودی هم برایشان قابل کنترل بوده (البته تا زمانی که عنان اختیار فرد کاملاً در دست شیشه قرار نگرفته) ولی پس از گذشت مدت زمانی از مصرف تمامی این مسائل از کنترل فرد مصرف کننده خارج میشود تا جایی که نه تنها کنترل این مسائل بلکه کنترل کوچکترین مسائل حیاتی هم از اختیار او خارج میشوند و فرد مصرف کننده احساس میکند که دیگر بدون مصرف شیشه قادر به انجام هیچ فعالیتی نیست. یا بهتر بگویم انجام هیچ فعالیتی بدون مصرف شیشه برای او لذت بخش نیست.

در این مرحله است که فشارهای روانی بسیار شدیدی به شخص وارد میشود، از این پس دیگر سپری کردن هر ثانیه ای از زندگی بدون مصرف شیشه برای او کابوسی بزرگ خواهد بود. بدون مصرف شیشه حتی نمیخواهد حرف بزند، راه برود، بخوابد و حتی شاید نمیخواهد زنده بماند. پس ناچار مصرف میکند و هر چه زمان میگذرد مصونیت بدن او در برابر شیشه بیشتر میشود و مجبور به مصرف بیشتر میشود و هر چه مصرف بیشتر میشود اثرات ثانویه نیز واضح تر خود را نمایان میسازند. فرد فوق العاده بد بین میشود، سوء ظن جنون آمیز به سراغش می آید و از گاه کوه می سازد و به راحتی از کوره به در می رود و در تمام مدت

احساس می کند که از سوی منبعی ناشناس کنترل می شود و این امر تمامی رفتارهایش را تحت تاثیر قرار میدهد. کم کم به موجودی کاملاً دو قطبی تبدیل می شود، لحظه ای بسیار مهربان، منطقی و آرام است و آنی دیگر خسونت به معنای واقعی در او موج میزند. در اغلب مسائل خود را صاحب نظر میدانند، و به اظهار نظر می پردازد، آن هم اظهار نظر های قطعی. ممکن است صبح در مورد مسئله ای نظری کاملاً مثبت داشته باشد و آن را در حد یقین پذیرفته باشد ولی بعد از ظهر همان روز با شدت هر چه بیشتر آن را رد کند و نظری کاملاً متناقض ارائه دهد و این دسته از تجربه ها فراوان خواهد بود که بسیاری از آنها یا قابل بیان نیستند و یا از حوصله بحث خارج اند.

همانگونه که خود میدانید امروزه شیشه در میان تمام مخدرهای دیگر از اهمیت و مصرف زیادی بخصوص در میان نسل جوان امروزی برخوردار است به شیهه ای که خود کسانی که به این ماده خطرناک اعتیاد پیدا کرده اند آن را بلای ویرانگر قرن وصف میکنند. در مصاحبه و گفتگو با چند تن از کسانی که قبلاً به این ماده مخدر اعتیاد داشتند، متوجه شدم که دلیل گسترش مصرف این ماده در جامعه ایران و در میان جوانان از چند ویژگی خاصی برخوردار است تا توجیهی شود برای روی آوری هر چه بیشتر معنادرین به این ماده خطرناک.



بقیه «سیاست رژیم اسلامی...» از ص ۱۸

اولین عاملی که باعث میشود افراد بیشتری به این ماده روی آورند نحوه مصرف آن است. این ماده مخدر در ظرفی شیشه ای مانند با حرارت گاز و هوا مصرف میشود و هیچ بویی از خود باقی نمیگذارد. حتی در زمان مصرف هم هیچ گونه بویی از خود ترشح نمیکند و فرد مصرف کننده می تواند در هر جایی که خلوت باشد حتی در زیر پتوی خود آن را مصرف کند. یکی دیگر از دلایل گسترش این ماده تاثیر بسزا و مخرب این ماده بر روان و اعصاب انسان است و در فعالیت جسمی انسان را کاملا اختلال ایجاد میکند و فرد معتاد به این ماده در مدت یک سال دچار کرم زدگی شده و کرم های خیلی کوچک گوشت فرد مبتلا به این ماده را می خورند. شنیده ام حتی فرد مبتلا به این ماده موقعی که کسی خواسته به شوخی گوش آن را بگیرد گوش راست این فرد مبتلا به شیشه از بدن وی جدا شده و در دست طرف مقابل قرار گرفته. تمام بدن انسان قطعه قطعه میشود در حالی که حتی در مرده شور خانه ها با تابلویی بزرگ نوشته اند از شستن فرد مبتلا به شیشه و کراک معذوریم.

آزمایش خون اعتیاد به شیشه را نشان نمی دهد و این یکی دیگر از عوامل تاثیر گذار در روند گسترش این ماده است. اگر توجه کرده باشید تمام مواد مخدر ها در

خون تاثیر بسزایی دارند و از طریق خون به تمام اعضای بدن سرایت میکنند و از طریق آزمایش خون هم می توان فهمید که شخص به چه ماده ای اعتیاد دارد، اما این ماده یعنی شیشه از طریق آزمایش خون مشخص نمیشود و مستقیم در روان و مغز انسان تاثیر میگذارد. در گفتگو با چند تن از مبتلایان به این ماده متوجه شدم که حتی کسانی که به مواد دیگر معتادند برای پنهان کردن اعتیاد خود هنگام آزمایش خون، بعد از مصرف مواد مخدر اصلی شان یکی دو نفس شیشه مصرف میکنند تا آزمایش خون مثبت نشان ندهند. این نحوه استفاده از شیشه بیشتر در میان رانندگان ماشین های سنگین، جوانان، دانشجویان و کارمندان رواج دارد. شیشه در اوایل که تازه به بازار ایران آمده بود یک صوت آن را به شصت هزار تومان میدادند به شیوه ای که کمتر کسانی میتوانستند آن را تهیه کنند و به آن اعتیاد داشته باشند. رژیم جمهوری اسلامی که عواقب و تاثیرات مخرب بسزای آن را بر روی جوانان مشاهده کرد، روز به روز قیمت آن را کاهش داد تا حدی که امروزه به راحتی در کوچه و پس کوچه و خیابانهای هر شهری با یک صوت چهار هزار تومان به دست می آید. شیشه در لابراتورهای پزشکی و درمانی ساخته میشود، اما امروزه هر چند نفر کسانی که در خرید و فروش مواد مخدر هستند در منازل خود لابراتورهای دست

ساز درست میکنند و این ماده مخدر را به شیوه بسیار مخرب تر از اصلی آن نیز تولید میکنند و روانه بازار میکنند تا جوانان زیادتری را دامن گیر این بلای خانمان سوز کنند. به شیوه ای که جانشین فرماندهی نیروی انتظامی کردستان طی چند ماه اخیر ابلاغ کرد، که یک کارگاه تولید مخدر شیشه با ظرفیت تولید روزانه نیم کیلو در شهر سنجک کشف شده است. همه می دانند که امروز ایران از نقطه نظر تعداد معتادین مقام برتر را در جهان کسب کرده است. اعتیاد امروز به یک مشکل جدی و حاد اجتماعی تبدیل شده است و بسیاری از خانواده های کارگری با این بلای خانمان سوز رو برو هستند. در اینجا است که باید گریبان این شیدان را محکم چسبید، چرا که مسببان اصلی و مستقیم رواج و گسترش اعتیاد در جامعه ایران خود سران رژیم اسلامی هستند. حال بدانیم چه عوامل و زمینه هایی باعث رشد فاجعه بار اعتیاد بخصوص ماده صنعتی شیشه در جامعه است؟

تحمیل فقر، فلاکت، بیکاری و زندگی مردم را زیر شدیدترین فشارها قرار دادن، زمینه هر گونه ازدگی و پناه بردن به افیون و مخدر را فراهم می کند. زمانی که کارگران هزار هزار روانه خیابان می شوند و میلیونها آدم گرسنه و جویای کار به دیگرشهرها هجوم می آورند، زمانی که گذران بی دغدغه حتی برای یک روز به معضل

بقیه «سیاست رژیم اسلامی...» از ص ۲۱

صندلی محکومیت نشانند. تمام دست اندرکاران و توزیع کنندگان مواد مخدر باید محاکمه و مجازات شوند. اما این محاکمه و مجازات نه توسط کلیت دستگاه قضایی که هیچ صلاحیت و حقانیتی ندارد و در راس آن جنایتکارانی مثل خامنه ای و لاریجانی و روحانی قرار دارند و اندام و جوارح آن را عموماً مشت‌های همپالکی‌های آنها تشکیل می‌دهند، نه توسط رژیمی که خود سر دسته قاچاقچیان مواد مخدر است، بلکه توسط دادگاههای مردمی پس از سرنگونی رژیم، با هیئت منصفه و قضاتی که مستقیماً از طرف خود مردم انتخاب می‌شوند. چنین دادگاههایی باید امتداد همه شبکه‌های قاچاق را که به حکومت اسلامی منتهی می‌شود تا به آخر دنبال کند و عوامل آنرا محاکمه و مجازات کند. چنین دادگاهی باید قبل از همه، کل سیستم و سران جنایتکار حکومت اسلامی را به محاکمه بکشاند. در پایان دوست دارم بگویم که آنچه تا اینجا گفته شد تنها بخش کوچکی از اثرات مخرب مصرف این مخدر ناشناخته (علی‌الخصوص در ایران) میباشد و این مقوله نیازمند بحث مفصل‌تری مخصوصاً در قسمت درمان می‌باشد که در فرصت‌های آتی به آن خواهیم پرداخت.

اوت ۲۰۱۶

تجربه قاچاق اسلحه و معاملات پنهانی با مخوف‌ترین سازمانهای بین‌المللی قاچاق را دارد و بالا تا پایین آن آلوده به انواع جنایت و کثافتکاری‌هاست کاملاً طبیعی است که چه به دلیل منافع فردی مقاماتش و چه حتی برای نجات دولت ورشکسته اسلام، خود در راس تجارت پر سود مواد مخدر قرار بگیرد.



لازمه مبارزه واقعی با اعتیاد قبل از هر چیز تامین زندگی انسانها و به رسمیت شناختن حقوق مسلم انسانی آنهاست. و برای اینکار باید در قدم اول رژیم جلدان و جنایتکاران، رژیمی که فقر و بی‌حقوقی بی‌سابقه‌ای را به مردم تحمیل کرده است به زیر کشید. جواب کارگران به هیاهوی مبارزه با اعتیاد رژیم اسلامی در یک کلام اینست، در محاکمه و مجازات عاملان و مسببان گسترش اعتیاد قبل از همه باید سران و دست اندر کاران رژیم اسلامی را بر

بزرگ میلیون‌ها بیکار و جوانان تحقیر شده و ناکام تبدیل می‌شود، مساعدترین شرایط برای رشد اعتیاد و از خود بیگانگی مهیا می‌شود. رژیمی که برای حفظ موجودیت خود و دفاع از منافع سرمایه داران فقر و بیکاری و در به دری و پامال کردن هر روز کمترین حقوق اجتماعی انسانها را سر لوحه برنامه خود قرار داده است، خود مهمترین و اولین عامل رشد اعتیاد است. حتی بیش از این، حقیقتاً خود رژیم اسلامی سر دسته قاچاقچیان مواد مخدر و تجارت انواع مواد مخدر است. مگر نه اینکه که خود این رژیم به ابتکار حزب سیاسی نظامی سپاه پاسدارانش طرح «طهران ابابیل» را در کردستان به اجرا گذاشتند تا شاید با به اعتیاد کشاندن جوانان کردستان آنها را از مبارزه و اعتراض دور کنند. مگر بارها نشنیده ایم که رهبران و سرشبه‌های قاچاق و ترور و آدم‌کشی از سپاه پاسداران و سران رژیم اسلامی سر در آورده اند؟ چگونه است در این مملکت که مایحتاج روزانه مردم جامعه گران و گرانتر می‌شود، بعضی از مواد مخدرها را می‌توان به قیمتی کمتر از سیگار به دست آورد. برای رژیمی که زیاده‌تر از سه دهه است

**زنده باد انقلاب کارگری!**

رفقا!

مراد از بر شمردن این وضعیت، تأکید گذاشتن بر ضرورت امر دخالت‌گری سوسیالیستی، سازمانیابی و همبسته‌گی طبقه کارگر هم در عرصه مبارزات کشوری و فراتر از آن در عرصه منطقه و جهان است. رهائی بشریت از نکتب نظام سرمایه داری و مصائب و آلام بی‌شمار آن در عرصه جهانی بر عهده طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی کارگری است، طبقه کارگر آگاه، متشکل و متحدی که بتواند این امر شریف را به سر منزل مقصود رهنمون گردد باید نهادهای همبسته‌گی جهانی اش را شکل دهد، گزینه‌یی جز تحزب‌پذیری و ایجاد همکاری و همیاری بین‌المللی طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی کارگری در سطح منطقه و هم در سطح جهان در چشم انداز نیست. بدین جهت رسالت و مسؤلیت فعالان سوسیالیست کارگری است که هم در سطح منطقه و هم در سطح جهانی به حیث یگانه افق و گزینه برای رهایی بشریت از بربریت کارمزدی و نظام سرمایه داری، به این عرصه از فعالیت بیشتر از قبل توجه مبذول بدارند.

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان در ضمن ابراز مسرت از برگزاری موفقانه و با شکوه کنفرانس سازمان شما، خود را شریک رزم و بیپیکار طبقه کارگر ایران و فعالان سوسیالیست آن می‌شمارد و امیدوار است که مصوبات این کنفرانس بتواند مبارزات جاری طبقه کارگر ایران را، که سالها است سینه در سینه یکی از هارترین

و مخوف‌ترین رژیم‌های سرمایه داری ایستاده و قربانی‌های فراوانی نیز پرداخته است، یاری رساند تا امر ایجاد حزب سوسیالیستی کارگران و همبسته‌گی منطقه-بی و جهانی آن بیشتر تسریع و تسهیل گردد.

فعالان سوسیالیست کارگری در افغانستان در بدترین و نامساعدترین شرایط و در مقابل نیروهای اهریمنی بی که جامعه و مردم افغانستان را در اسارت شان دارند، مبارزه می‌کنند. ارمان دولت ارتجاعی حاکم و حامیان جهانی آن به رهبری امپریالیسم امریکا و متحدانش در پیمان ناتو و همچنین ارتجاع اسلامی و قومی در هیأت طالبان و داعش برای مردم و به ویژه کارگران و زحمتکشان افغانستان طی این پانزده سال چیزی نبوده است جز فقر مفرط، وحشت و بربریت و ناامنی و قتل و کشتار؛ این هیولا هر روز خون می‌ریزد و جان انسان‌های بی‌شماری را میستاند.

بنابراین سنگینی وظایف و مسؤلیت‌های فعالان کارگری و سوسیالیست در چنین وضعیتی عیان و آشکار است. علی‌الرغم آن و با وجود همه دشواری‌ها، طبقه کارگر و اقشار زحمتکش به وضعیت حاکم تمکین ننموده و طی سال‌ها پار و امسال دست به اعتراضات گسترده‌یی زده اند. جنبش علیه بیکاری و اعتراضات اخیر کارگران معادن در کنار جنبش‌ها و خیزش‌های مدنی دیگر نمونه‌هایی از عدم تمکین به وضعیتی است که ارتجاع بورژوا-امپریالیستی و ایادی محلی شان بر کرده مردم تحمیل

نموده اند.

راه دراز و دشواری از مبارزه و تلاش را باید پیمود، اما آنچه که روشن است مبارزه با رژیم ارتجاعی حاکم، اسلام‌میس و دفع اشغالگری و سلطه جوئی نیروهای نظامی دولتهای سرمایه داری بدون مبارزه با مناسبات سرمایه داری و بدون صف مستقل طبقه کارگر و بدون حمایت بین‌المللی جنبش کارگری و سوسیالیستی و بشریت آزادیخواه ممکن و میسر نیست.

سرنوشت و اهداف طبقاتی واحد جنبش سوسیالیستی کارگران در ایران و افغانستان و هر کجای دیگر این کره خاکی بهم گره خورده است. امر پیروزی جنبش طبقه کارگر در ایران امر طبقه کارگر و فعالان و کنشگران چپ و سوسیالیست افغانستان نیز است. بناءً اصل مبارزه سوسیالیستی و وجوهات بارز دیگر از ما می‌طلبد که در همه عرصه‌های این مبارزه دست در دست همدیگر قرار دهیم و در جهت تقویت و پیروزی جنبش مان هم دیگر را یاری رسانیم. امیدواریم که کنفرانس سازمان شما با تصامیمی که می‌گیرد سهم ارزنده‌یی در به ثمر رساندن مبارزات کارگران و تقویت و پالایش جنبش سوسیالیستی کارگری ادا نماید. برای سازمان اتحاد سوسیالیستی کارگری و اعضاء و کادرهای آن آرزوی موفقیت می‌کنیم.

زنده و پیروز باد طبقه کارگر ایران!

زنده باد سوسیالیسم!

شورای مرکزی سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

۱۹ جولای ۲۰۱۶؛ ۲۹ تیر ۱۳۹۵

## پیام به دوازدهمین کنفرانس سازمان اتحاد سوسیالیستی کارگری

کابل و بغداد و نیس شسته نشده بودند که کودتا و ضدکودتا در ترکیه بحران لاعلاج بخشی از نظام سرمایه‌داری در قامت رژیم اسلامی- فاشیستی حاکم به رهبری اردوغان را به همه گان برملا ساخت، بحران سیاسی و ساختاری بی که حاصلش چیزی نیست جز تحمیل هرچه بیشتر فقر و محنت به طبقه کارگر و سایر زحمتکشان و تشدید استبداد و تعرض به حقوق دموکراتیک مردم و سرکوب نیروهای چپ و سوسیالیست و فعالان جنبش کارگری در جامعه ترکیه.

بقیه در صفحه ۲۳

صدی ها تمام ثروت و مکتنت جهان را در دستان خویش دارند. جمهوری اسلامی سرمایه در ایران در کنار تحمیل فقر همچنان بساط استبداد و رعب و وحشتش را گسترده نگهداشته است، روزی نیست که کارگر و فعال معترض نسبت به وضع موجود را به بند نکشند و مورد شکنجه، آزار و اعدام قرار ندهند.

وضعیت نکبت باری که در افغانستان و ایران حاکم است و آنچه که در منطقه خاورمیانه می‌گذرد نماد بارزی از توحش و لجام گسیخته‌گی نظام سرمایه‌داری جهانی و ایادی محلی آن است. ارتجاع هار اسلامی در شکل و شمایل طالبان، القاعده، داعش و بوکوحرام و ... به جان مردم افتاده اند و با قساوت بی‌نظیری از مردم منطقه و جهان قربانی می‌گیرند. ارتجاع مذهبی و قومی زنده‌گی و مدنیت در این جوامع را متلاشی و قوانین عصر توحش بشر را در اشکال شنیع‌تر از گذشته، جاری کرده اند. بحران سیاسی و اقتصادی نظام سرمایه‌داری و تنش- و قطب بندی های قدرت های امپریالیستی رقیب در عرصه بین‌المللی و منطقه بحرانی ما، بشریت را به مخاطرات جدی مواجه ساخته است؛ رشد سبعانه‌تر و کریه‌تر این واقعیت-های تلخ را هر روز بیشتر از روز پیش و در ابعاد گسترده‌تری شاهدیم. هنوز خون-های ریخته شده در

با درود به شما رفقای حاضر در کنفرانس، برگزاری موفقانه دوازدهمین کنفرانس اتحاد سوسیالیستی کارگری را تبریک می‌گوییم و برای شما آرزوی پیروزی می‌کنیم.

کنفرانس سازمان شما در شرایطی برگزار می‌گردد که نظام سرمایه داری هم چنان دچار بحران است و دارد جهان و به ویژه خاورمیانه را به ورطه تبااهی و بربادی بیشتری سوق می‌دهد. نظام سرمایه‌داری برای بشریت جز جنگ، آواره‌گی میلیون‌ها انسان، اعمال تبعیض و نابرابری، تعرض به سطح دستمزد و معشیت طبقه کارگر، بیکار سازی گسترده در پی نداشته است، با سازماندهی و گسیل دسته‌جاتی از وحوش مذهبی- قومی، به جان مردم، و ویرانی زیرساخت-ها و مدنیت-ها زنده‌گی را برای باشنده‌گان آنها تباہ و بی‌آینده نموده است.

کافی است نگاهی به آنچه که در افغانستان، عراق، سوریه و سایر کشورهای منطقه می‌گذرد، انداخته شود تا عمق این فجایع و مخاطراتی را که بشر به آن مواجه است دید و به فکر راه و چاره بی شد. بیکاری و گرانی و فقر خارج از تصویری که همه جا مستولی شده است، کارگر جهان از آن میان طبقه کارگر ایران را تا مرز فلاکت و تباهی کشانیده است، در حالی که یک در

تلویزیون به پیش! در ماهواره هاتبرد

ماهواره: هاتبرد ۱۳D

ترانسپندر: ۹۰

فرکانس: ۱۲۵۲۰

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

زمان: سه شنبه ها ساعت ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ شب به وقت ایران

باز پخش: چهارشنبه ها ساعت

۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ صبح